



بزرگ‌زیده‌ای از احادیث
در باره حضرت مهدی علیه السلام و منتظران



محمد کاظم بهنیا

پهل حدیث

برگزیده ای از احادیث

در باره

حضرت محمد علیه السلام و منتظران

نویسنده: محمد کاظم بنیاد

دیراستار: عبدالحسین طالعی



تهران، خیابان ستارخان، خیابان کویک، کوچه گناباد، شماره ۴۹

تلفن: ۶۹۲۰۴۰۱ دورنگار: ۶۴۲۲۲۷۶

بهنیا، محمد کاظم

چهل حدیث: برگزیده‌ای از احادیث درباره حضرت مهدی علیه السلام و منتظران
نویسنده: محمد کاظم بهنیا؛ ویراستار: عبدالحسین طالعی. تهران: ریحان،
۱۳۸۳.

ISBN 964 - 5979 - 96 - X

۱۱۶ ص.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص ۱۱۴ - ۱۱۵؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. اربعینیات - قرن ۱۴. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -
احادیث. ۳. احادیث شیعه - قرن ۱۴. الف. عنوان. ب. عنوان: برگزیده‌ای از
احادیث درباره حضرت مهدی علیه السلام و منتظران.

۹۲ چ ب / ۱۴۳ / ۹ / BP ۲۹۷ / ۲۱۸

۱۴۶۱۴ - ۸۲ م

کتابخانه ملی ایران



نشر ریحان

چهل حدیث

برگزیده‌ای از احادیث درباره حضرت مهدی علیه السلام و منتظران

نویسنده: محمد کاظم بهنیا

ویراستار: عبدالحسین طالعی

طراح جلد: پژمان رحیمی زاده

چاپ دوم، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۳۸۳

شابک: X - ۹۶ - ۵۹۷۹ - ۹۶۴

حق چاپ برای نشر ریحان محفوظ است.

تهران، خیابان ستارخان، خیابان کوکب، کوچه کتاباد، شماره ۴۹

تلفکس: ۶۹۲۰۴۰۱

پیغمبر خرمین السلام

سلام بر قائم منتظر

و عدل پرآوازه؛

سلام بر شمشیر از نیام برآمده

و ماه تابان و نور درخشان؛

سلام بر خورشید تاریکی و ماه تمام؛

سلام بر بهار مردمان و خرمی زمان.

فهرست

۷	مقدمه
۱۷	پاداش جهاد
۱۹	همراهی رسول خدا ﷺ
۲۱	انکار پیامبران ﷺ
۲۲	اگر در زمان او بودم...
۲۴	خورشید پشت ابر
۲۶	به سامان شدن
۲۸	حقایق پنهان
۳۰	ولادت مخفی
۳۲	ثواب هزار شهید
۳۴	نهایت نور
۳۵	اتمام حجت
۳۷	انتظار و اطاعت
۳۹	تکامل عقل‌ها
۴۱	نهای معرفت
۴۳	پیوستگی با ولایت

۶ * چهل حدیث

۴۵ امتحان
۴۶ بشارت
۴۸ همراه ائمه <small>علیهم السلام</small>
۵۰ شناخت
۵۲ منتظر
۵۵ گستره زمین
۵۷ تیغ در دست
۶۰ پیمان خدا
۶۲ اذن الهی
۶۵ بارش برکات
۶۷ شادمانی
۶۹ بیعت
۷۲ غیبت و حیرت
۷۵ برترین مردم
۷۸ شوق دیدار
۸۰ مهدی راستین
۸۳ سنت‌های الهی
۸۷ او خواهد آمد
۹۱ نابودی شیطان
۹۴ امیدواری
۹۹ نیکو جبین
۱۰۱ تسلیم
۱۰۴ بانگ آسمانی
۱۰۶ گوارایتان باد
۱۱۰ توفیق
۱۱۴ فهرست منابع

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ

وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا حِجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ

هان ای ستارگان! تا کدامین روز، امواج نورتان بر کرانه جهانِ خاکی خواهد رسید، اما راز ناگفته آفرینش را سر نخواهید داد؟
ای اختران فروزان! آن «نجم ثاقب» در کدام روز پرشکوه، تاریکی و تیرگی‌های قرون را - که جهان بشریت را در خود فرو برده - خواهد شکافت و به ناگهان در دیدگان مردمان جلوه خواهد کرد؟
کی این شبِ ستمبار به پایان می‌رسد، و شوکت خاندان وحی بر استواری خود، خنگ^۲ زمان را به زیر فرمان خواهد کشید و بامداد

۱. قصص / ۵: «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی

زمین قرار دهیم.»

۲. اسب سفیدموی.

نجات بخش طالع خواهد شد؟ که:

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾^۱

* * *

و اینک او را در کنار اولین خانه توحید بنگرید که در هیئت و سیمای پیامبران ایستاده است:

آری، او همانند «آدم» است در خلافت الهی؛ که آفریدگار جهان در حَقِّش فرمود:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۲

همچون «نوح» است؛ در عمری بس طولانی که قرآن کریم می فرماید: «نوح در میان گروه خویش ۹۵۰ سال درنگ کرد»^۳

همانند «هود» است در غیبت خود؛ همان گونه که «نوح» عليه السلام به پیروان خود سفارش کرده چنین خواهد بود.

همسان «صالح» و «یونس» است که پس از غیبت به سوی قوم خویش بازگشتند.

به سان «ابراهیم» است در مخفی بودن ولادت، و داشتن دو نوع غیبت. همانند «اسماعیل» است در بشارت خدای متعال به ولادتش که

فرمود:

﴿فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ﴾^۴

۱. تکویر / ۱۷ - ۱۸: «و قسم به شب، هنگامی که پشت کند و به آخر رسد، و به صبح هنگامی که تنفس کند.»

۲. بقره / ۳۰: «من بر روی زمین، جانشینی (نماینده‌ای) قرار خواهم داد.»

۳. عنکبوت / ۱۴.

۴. صافات / ۱۰۱: «ما او [= ابراهیم] را به فرزندی بردبار بشارت دادیم.»

و بر مهدی علیه السلام نیز خدای و پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام بشارت‌ها داده‌اند.

یادآور «لوط» است در نازل شدن فرشتگان برای یاری‌اش که به او گفتند:

﴿يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِيلُوا إِلَيْكَ﴾^۱

و امام عسکری علیه السلام فرمود: «آن فرشتگان که هنگام ولادت امام زمان علیه السلام دیده شدند، یاران او هستند، آن‌گاه که قیام کند.»

یوسف صدیق علیه السلام زیباترین فرد زمان خود بود، و حجت آخرین نیز زیباترین چهره‌ها را دارد؛ زیرا که سیمایش شبیه‌ترین سیما به چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله است که حضرتش فرمود:

«أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا»^۲؛

«مهدی علیه السلام در خلق و خوی و جسم خود، شبیه‌ترین مردمان به من می‌باشد.»

به گونه «شعیب» علیه السلام است؛ شعیب قوم خود را دعوت فرمود تا به سن پیری رسید، سپس زمانی از ایشان پنهان شد، و سپس در چهره جوانی به سوی آنان بازگشت، و حجت باقیه الهی نیز چنین است. همان‌گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«قائم علیه السلام در حالی آشکار می‌شود که با وجود داشتن طول عمر، به صورت جوانی کمتر از چهل سال نمودار می‌شود.»^۳

و همسان «موسی» است؛ همان‌گونه که در بیان شباهت آن امام همام

۱. هود / ۸۱: «ای لوط، ما فرستادگان پروردگار توایم، آنها هرگز به تو دسترسی پیدا نخواهند کرد.»

۲. بحارالانوار، ج ۵۱ / ص ۷۲.

۳. همان، ج ۵۲ / ص ۲۸۵.

به پیامبران، امام باقر علیه السلام فرمود:

«... و اما سنت (وشباهت) او به موسی علیه السلام استمرار خوف و ترس او و طول غیبت، و مخفی بودن ولادت و رنج و سختی شیعیانش پس از او می‌باشد که به اذیت و آزار و خواری و ذلت گرفتار شدند. تا سرانجام خدای متعال به ظهورش اجازه داد، و او را یاری فرمود، و بر دشمنانش پیروز کرد.»^۱

همانندی‌اش با «سلیمان» نیز در رسیدن به مقام خلافت الهیه است در دوران کودکی؛ که امام جواد علیه السلام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَاوُدَ علیه السلام أَنْ يَسْتَخْلِفَ سُلَيْمَانَ وَ هُوَ صَبِيٌّ يَرْعَى الْغَنَمَ...»^۲؛

«خدای متعال به داود علیه السلام وحی کرد که سلیمان را جانشین خود گردان، در حالی که سلیمان در هنگام کودکی به چوپانی گوسفندان مشغول بود.»

و همسانی‌اش با «عیسی» علیه السلام؛ سخن گفتن اوست در آغاز ولادت، و اعتراف بر یکتایی حق متعال و رسالت خویش که:

﴿إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا﴾^۳

«همانا من بنده خداوندم که مرا کتاب عطا فرموده و نبی خویش قرار داده است.»

و حجّت آخرین نیز، در آغاز میلادش در حضور پدر، بر توحید شهادت داد، و با یاد رسول خدا و اوصیایش، بر مظلومیّت و غیبت.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱ / ص ۲۱۸.

۲. کافی، ج ۱ / ص ۳۸۳.

۳. مریم / ۳۰.

دیرپای، و قیام خویش به این «کریمه» ندا در داد که:
 ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ
 وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۱

و سرانجام، شباهت و همسانی‌اش با جد بزرگوارش رسول خدا ﷺ در اعتلای کلمه توحید است در جهان؛ و اگر رسول خدا ﷺ ارکان توحید و حق را استوار فرمود، او را مأموریت آن است که درفش توحید را در تمام جهان به اهتزاز درآورد، و بر همه باطل در سراسر گیتی چیرگی بخشد که آفریدگار جهان، رسول خود را بشارت فرمود:
 «او همان خداوندی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاده است تا آن را بر همه ادیان و [نحله‌ها] چیره گرداند.»^۲
 آری، او همچون پیامبر خدا ﷺ با شمشیر برمی‌خیزد تا سرکشان و طاغیان را ریشه کن سازد؛ و با شمشیر و ترس یاری می‌شود، و هیچ پرچمی از او [پس از قیام] شکست خورده باز نمی‌گردد.^۳
 هان، او را بنگرید که جامه رسول خدا ﷺ برتن، و ذوالفقار علی مرتضی ﷺ بر دست دارد؛ و اینک با بلندای سرو قامتش که پیامبر خدا را می‌ماند، فرمان قیام یافته، تا زمین را پاک سازد. زیرا که او هم مطهر است و هم مطهر، و توانش را بر این امر، از قدرت و اذن خالق یکتا برگرفته است تا وعده حق متعال و اراده او را به انجام رساند.
 و ما نیز ای «عزیز»! در پیشگاه مقدّست، به بندگی می‌نشینیم تا ما را

۱. قصص / ص ۵؛ کمال‌الدین و تمام النعمة / ص ۴۲۵.

۲. توبه / ۳۳.

۳. کمال‌الدین و تمام النعمة / ص ۳۲۷. روایات شباهت‌های گوناگون امام عصر عجلیه در کتاب مکمال المکارم، جلد ۱، صفحات ۱۶۸ تا ۲۲۶، نگاشته شده است.

رعیت خویش بدانی، و در شمار دوستان حضرتت بخوانی.

ای حجت حق!

ای ولی خدا!

ای چهره‌ات، چهره رسول در آثار!

ای چشم فاطمه، در راه قدومت به انتظار!

ای بازوی علی ولی، در پیکار!

ای صبر، ای صلابت حسنی در کردار!

ای وارث حسین شهید، ای «ثار»!

ای سجده و سجود «زین عباد»، تو را رفتار!

ای علم باقرالعلوم، از دادار!

ای صادق آل محمدت، خدمتگزار!

ای زهد موسوی!

ای زهد و کظم تو، موسی وار!

ای بر ستوده رضوی!

ای «شاهد» و رضوی اسرار!

ای چون جواد، به جود و بار!

ای آن‌که گفت تو را هادی:

«فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ إِذَا غَابَ صَاحِبُكُمْ عَنْ دَارٍ»^۴

۱. غیبت نعمانی / ص ۲۴۵.

۲. دعای حضرت رضا علیه السلام نسبت به حضرت مهدی علیه السلام، مفاتیح الجنان / ص ۵۴۱-۵۴۳.

۳. بار: اجازه ورود به پیشگاه بزرگان.

۴. فرموده امام هادی علیه السلام: «إِذَا غَابَ صَاحِبُكُمْ عَنْ دَارِ الظَّالِمِينَ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ.»: «آن‌گاه که صاحب [پیشوای] شما از خانه [و اجتماع] ستمگران پنهان و غائب شود، فرج و گشایش [= ظهور و قیام] را انتظار برید.» (کمال الدین و تمام النعمة / ص ۳۸۰).

ای نور چشم حسن!
ای نور، ای معدن انوار!
ای انوار!
ما را دریاب و به فریادمان برس!
ای کریم از اولاد کریمان!

* * *

ای صاحب زمانه، آیا هنوز تو را یارانی در خور نیست؛ آنانی که
شمارشان بر شمار «بدریان» است، و «لوط» پیامبر در آن هنگامه سخت،
بر این آرزو بود که:

ای کاش، اصحابی همانند آنان می‌داشت. آن‌جا که امام صادق علیه السلام
فرمود:

«این‌که "لوط" به قومش گفت: ای کاش، در برابر شما قدرتی داشتم یا
تکیه‌گاه و پشتیبان محکمی در اختیارم بود؛^۱ جز این نبود مگر این‌که
نیروی "قائم" علیه السلام را تمنا کرد، و یاد نکرد مگر صلابت و استقامت
اصحاب او را، که یک مرد از آنان، قوت چهل مرد را دارد، و دلش از
قطعات آهن محکم‌تر است و اگر به کوه‌های آهنین بگذرند آنها را از
جای می‌کنند. و شمشیرهایشان را کنار نگذارند، مگر هنگامی که خداوند
عزوجلّ خشنود شده باشد.»^۲

و سرانجام به فرمان پدر بزرگوارت و حجّت خدا صادق
آل محمد علیهم السلام در دوران غیبت، با زبان سر، و جان و دل برمی‌خوانیم که:
«اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ

۱. هود / ۸۰

۲. کمال‌الدین و تمام النعمة / ص ۶۷۳

أَعْرِفُ نَبِيَّكَ. اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي
رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ
إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»^۱

«پروردگارا، خود را به من بشناسان که اگر خود را به من شناسانی پیامبرت را نشناخته‌ام. پروردگارا، پیامبرت را بشناسان که اگر پیامبرت را به من شناسانی، حجت تو را نشناخته‌ام. پروردگارا، حجت خود را به من بشناسان که اگر حجتت را به من شناسانی، از دین خود گمراه گردم.»
تا شاید که خدای متعال بر ما منت اجابت نهد و بر راه مرضی خویش - کتاب خود، قرآن و رهنمودهای پدران بزرگوارت - استوار بدارد. اکنون ما فرمانت را بر چشم خود می‌نهییم آن‌گونه که در توفیق خود به احمد بن اسحاق نگاشتی:

«وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ...»^۲

«برای تعجیل فرج، دعای فراوان کنید که این خود، گشایش شما نیز خواهد بود.»

خداوندا، در این لحظه و هر لحظه، دست نیاز به پیشگاه کریمت به امید اجابت برمی‌داریم:

«اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ وَ شَمِتَ بِنَا الْفُجَّارُ وَ صَعِبَ عَلَيْنَا
الْإِنْتِظَارُ»^۳

«خدایا، انتظار و چشم به‌راهیمان، به طول انجامید و به شماتت و زخم زبان بدکاران گرفتار شدیم و پیروزی بر ما سخت شد.»

۱. غیبت نعمانی / ص ۱۶۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمة / ص ۴۸۵.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۲ / ص ۱۰۳.

* * *

ای مهرورزانِ «خورشید»، بیایید تا همگام با هم. در شکوفه‌زارهای
برگرفته از پاکان و معصومان گذری کنیم؛ و «خورشید پرفروغ» را بیشتر
بشناسیم و سر برکف، طلوعش را انتظار بریم؛ آمین!

)

پاداش جهاد

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام :

«إِنَّ أَلْمِيَّتَ مِنْكُمْ عَلَىٰ هَذَا الْأَمْرِ، بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بِسَيْفِهِ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ.»^۱

امام صادق عليه السلام فرمود:

«هر یک از شما که بر این امر [در حال انتظار ظهور] بمیرد،

مرتبه‌اش به سان کسی است که در راه خدا شمشیر زند.»

«شمشیر زدن در راه خدا» فضیلت بزرگی است که نصیب
هر کسی نمی‌شود. این کار، هم جنگ با دشمن خارجی است و هم
جنگ با دشمن درونی (در راه خدا).

به همین دلیل، جهاد در راه خدا، سبب احیای دین در تمام شؤون

و زمینه‌های آن است.

اما چگونه، «مردن و زیستن» در راه ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام فضیلتی همسان جهاد در راه خدا دارد؟

باید بدانیم که بزرگترین دشمن شیطان بیرون و هوای نفس درون، قبول ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام است. از این رو، این «دشمن آشکار انسان‌ها»^۱ پیوسته در صدد است تا پیروان ولایت امامان نور را از این صراط مستقیم هدایت، دور کند.

از این رو، ماندن در این راه همواره به جنگ با این شیاطین نیاز دارد؛ جنگی در بیرون و جنگی در درون؛ و آنچه ارزش دارد، همین جهاد مقدس است که مهم‌ترین وظیفه انسان در زمان غیبت است؛ چه زمان ظهور را درک کند یا عمر او به این سعادت، کفایت نکند. هر که در راه ولایت خاندان نور و انتظار ظهور «نور آل محمد»^۲، دشمنان گوناگون را ببیند و با آنان بجنگد، فضیلت جهاد را به خوبی درک و صحت این حدیث را به دیده دل نظاره می‌کند. و از شگفتی کوتاه‌نظران نسبت به این حقیقت، در شگفت می‌ماند.

۱. چنان که خدای متعال، او را به این وصف معرفی فرموده است: أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (یس / ۶۰).

۲. چنانچه امام صادق علیه‌السلام در توضیح دعای خود (در تعقیب نماز ظهر) تعبیر فرمود. (بحارالانوار، ج ۸۶ / ص ۶۲)



همراهی رسول خدا ﷺ

قال أبو عبد الله عليه السلام:

«مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ، كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ، قَالَ: ثُمَّ مَكَثَ هَنِيئَةً ثُمَّ قَالَ: لَا، بَلْ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ، ثُمَّ قَالَ: لَا وَاللَّهِ إِلَّا كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.»^۱

امام صادق عليه السلام فرمود:

«هر یک از شما در انتظار این امر [ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام] درگذرد، همانند کسی است که با قائم [عجل الله تعالی فرجه] در خیمه آن حضرت باشد. سپس اندکی درنگ کرد و فرمود: نه، بلکه همانند کسی است که در رکاب آن حضرت، شمشیر کشیده باشد. دیگر بار فرمود: نه، به خدا سوگند، بلکه همچون کسی است که در رکاب رسول خدا ﷺ به شهادت رسیده است.»

واقعاً کسی که ظهور حضرت مهدی علیه السلام را در زمان غیبت حضرتش، انتظار می‌کشد، در این زمان غربت و غفلت، از ورای حجاب سنگین غیبت، به دوره نورانی ظهور چشم دوخته است. انسان منتظر، بدین سان، با شهاب نگاه تیزبین خود، ابرهای تیره غیبت را می‌شکافد و زمان ظهور را به دیده دل می‌بیند. او، گرچه در جمع مردم زمان غیبت است، ولی دلش در هوای

دوران ظهور می‌تپد.

از این رو، به راستی می‌توان گفت: منتظر ظهور، مانند کسی است که به زمان ظهور رسیده و در خیمه حضرت مهدی علیه السلام به سر می‌برد.

این نکته نیاز به دقت دارد که از این حدیث و مانند آن، هیچ‌گاه بر نمی‌آید که زمان غیبت مانند زمان ظهور است؛ بلکه سخن از حالت کسی است که در زمان غیبت زندگی می‌کند، اما پیوسته در انتظار ظهور است؛ وگرنه تفاوت میان دوره غیبت و ظهور، بر هیچ کس پوشیده نیست.

لذا امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «منتظر، مانند کسی است که با قائم علیه السلام در خیمه آن حضرت باشد.»

با این توضیح، روشن می‌شود که چرا فرد منتظر، مانند فردی مجاهد است که در رکاب حضرتش شمشیر می‌زند.

اما مهم‌تر این جمله است که می‌فرماید:

«مانند کسی است که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شود.»

برای فهمیدن نکاتی از این کلام نورانی، باید به این حقیقت توجه شود که امروز، دین پیامبر فقط با پذیرفتن امامت و غیبت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، و انتظار ظهور حضرتش حفظ می‌شود. از این رو، هر کس گوهر گران‌بهای انتظار را در قلب، و با زبان و عمل خود - با تمام دشواری‌هایش - نگه دارد، بالاترین جهاد را در راه حفظ دین خدا به عهده گرفته و درجه‌ای همانند شهیدان رکاب رسول خدا را به او می‌دهند. از خداوند تعالی مسألت می‌کنیم که ما را از منتظران ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه قرار دهد.

۳

انکار پیامبران علیهم السلام

قال أبو عبد الله الصادق عليه السلام :

«مَنْ أَقَرَّ بِالْأَيْمَةِ مِنْ آبَائِي وَوُلْدِي وَجَحَدَ الْمَهْدِيَّ مِنْ
وُلْدِي، كَانَ كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام وَجَحَدَ مُحَمَّدًا
صلى الله عليه وآله نَبِيَّ اللَّهِ.»^۱

امام صادق عليه السلام فرمود:

«هرکس به ائمه از پدران و فرزندانم اقرار ورزد و فرزندم
مهدی را انکار کند، همانند کسی است که به [حقانیت]
پیامبران علیهم السلام اقرار کند و نبوت حضرت محمد صلى الله عليه وآله را
انکار نماید.»

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، تحقق بخش آرمان
پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام است. آن حضرت، وارث اسلاف
معصوم خود، حجت‌های برگزیده الهی است، و ایمان به آن
بزرگوار، نتیجه و ثمره ایمان به بزرگواران پیشین می‌باشد.
در زمان بعثت حضرت خاتم الانبیاء صلى الله عليه وآله کسانی بودند که ادعای
محببت خدا را داشتند، بدون این که به پیامبر او ایمان آورده و تبعیت
از حضرتش را ضروری بدانند. خداوند عز و جل، خطاب به پیامبر
خود، در پاسخ کلام اینان فرمود:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾^۲

۱. کمال الدین و تمام النعمة / ص ۳۳۸.

۲. آل عمران / ۳۱.

بگو اگر خدای را دوست دارید، از من اطاعت کنید؛ خدا هم شما را دوست می‌دارد و گناهانتان را می‌بخشد.

در میان امت اسلام نیز کسانی بوده و هستند که ادعای محبت رسول خدا را داشته و دارند؛ اما نسبت به حضرت مهدی عجل الله فرجه بی توجه‌اند یا به انکار حضرتش می‌پردازند.

گروه‌هایی نیز هستند که خود را به تشیع منسوب می‌کنند، و به ادعای خود، امامت چند تن از امامان معصوم علیهم‌السلام را می‌پذیرند؛ اما ولایت و غیبت حضرت مهدی عجل الله فرجه را انکار می‌کنند.

سرنوشت این گروه‌ها، همانند سرنوشت گروه‌های صدر اسلام و برخورد جاهلانۀ آنان با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

همان‌گونه که ایمان به همه پیامبران، بدون عقیده به حضرت خاتم‌الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پذیرفته نیست، ایمان به رسول خدا و ائمه هدی علیهم‌السلام بدون عقیده به حضرت خاتم‌الاولیاء عجل الله فرجه پذیرفته نیست.



اگر در زمان او بودم...

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : هَلْ وُلِدَ الْقَائِمُ؟

قَالَ: «لَا، وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»^۱

از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: آیا قائم [عجل‌الله‌فرجه] از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: آیا قائم [عجل‌الله‌فرجه]

زاده شده است؟

فرمود: «نه، و اگر زمان او را درک می‌کردم، سراسر عمرم

به خدمتش می‌شتافتم.»

پرسشی اساسی و پاسخی راهگشا پیش رو داریم.

امام صادق علیه السلام، امامی معصوم، از حجّت‌های منصوب الهی و جدّ پنجم حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است. آن امام همام، با تمام فضائل و موهبت‌های الهی، با این کلام نورانی، درسی بسیار مهم و اساسی به ما می‌دهد.

درس مهمّ امام صادق علیه السلام این است که قطب و محور دین در هر زمان، عبارت است از:

محبت، معرفت، اطاعت، ولایت و خدمتگزاری حجّت خدا در آن زمان.

براساس حقایق والای ولایت، در هر زمان، خدای تعالی حجّت خود را اقامه می‌کند و تمام شؤون دین و دنیای مردم را به او می‌سپارد، و حتی اگر امامی دیگر در آن زمان در قید حیات باشد سکوت برمی‌گزیند و سخن نمی‌گوید. این نکته را در سیره ائمه اطهار علیهم السلام دیده‌ایم. همین نکته، تأکیدی است بر حقیقت یاد شده که هر کس ادّعای تبعیت رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد، باید به این حدیث متواتر حضرتش پایبند باشد که فرمود:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.»^۱

معرفت امام زمان، یعنی پذیرفتن امامت و ولایت حضرتش در آن زمان؛ پیمانی که امام معصوم برگردن تمام اهل آن زمان دارد؛

۱ - هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

حتی کسانی که، خود، از موهبت الهی عصمت و مقام امامت برخوردار باشند.

این است که امام صادق علیه السلام می فرماید: «اگر در زمان حضرت مهدی بودم، تمام عمر را در خدمتگزاری حضرتش به سر می آوردم.»

این کلام امام به حق حضرت صادق علیه السلام درس مهمی به ما می دهد که ما عمر خود را در خدمتگزاری به حضرت مهدی علیه السلام بگذرانیم.

«اللَّهُمَّ اقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ وَ تَوَقَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ.»



خورشید پشت ابر

قَالَ جَابِرٌ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ يَقَعُ لِشِيعَتِهِ
الْإِنْتِفَاعُ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ؟

فَقَالَ صلى الله عليه وآله: «إِي وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ
بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ
بِالشَّمْسِ وَ إِنْ تُجَلَّلَهَا سَحَابٌ.»^۱

جابر بن عبدالله انصاری گوید: به رسول خدا صلى الله عليه وآله گفتم: آیا شیعیان آن حضرت در دوران غیبت آن حضرت از او بهره‌ور می‌شوند؟

فرمود: «آری، سوگند به آن که مرا به پیامبری برانگیخت
آنان از نور او پرتو می‌گیرند و از ولایتش در دوران غیبتش
بهره‌مند می‌شوند، همان سان که مردم از مهر فروزان
- هر چند در پشت ابر - سود می‌جویند.»

خورشید، مایهٔ حیات انسان است. زندگی انسان بدون خورشید
سرد و بی‌روح و افسرده می‌ماند و در نهایت، به مرگ می‌رسد.
امام علیه السلام در زندگانی مادی و معنوی بشر، همچون خورشیدی
است که حیات انسان بدان وابسته است. این خورشید جهان افروز
الهی، گاه به دلیل موانعی، در پشت ابر غیبت قرار می‌گیرد؛ اما از
ورای همان ابر تیره، نور خود را به انسان‌ها می‌رساند؛ و گرنه بدون
این نور هدایت، بشرِ ظلمت زده، چگونه راه نجات بی‌یابد؟!
خورشید پشت ابر، گهگاه بدون حجاب ابر، به برخی از انسان‌ها
رخ می‌نماید. همین‌گونه امام غایب، گاهی شرف لقای خود را به
بعضی از سعادت‌مندان می‌رساند.

خورشید گرچه در پشت ابر باشد؛ اما نور خود را به همهٔ نقاط
زمین می‌رساند. در این میان، هر خانه‌ای که آمادگی بیشتر برای
پذیرش آفتاب داشته باشد، سهم بیشتری از نور خورشید خواهد
داشت. امام عصر علیه السلام نیز نور خود را به مردم می‌رساند؛ اما هر کس
که خانهٔ دل خود را برای پذیرش نور و فیض حضرتش بیشتر آماده
کند، از حضرتش، بیشتر بهره‌مند خواهد شد. و بالاخره هر کس از
آثار مفید و برکات نور مستقیم خورشید آگاهی بیشتری داشته باشد،
از زمستان دیرپا و ابرهای ممتد و پیوسته، در عذاب بیشتری خواهد
بود و چنین شخصی، برای سپری شدن آن زمستان و فرارسیدن بهار،

انتظار می‌کشد، و خود را برای ظهور مستقیم نور آماده می‌سازد. حالات مردم برای پایان یافتن دوره غیبت و ورود به دوره ظهور، یکسان نیست. بعضی اصلاً از «بهار انسان‌ها»^۱ بی‌خبرند. برخی باخبرند؛ ولی از خود ناامیدند. و برای رسیدن به آن تلاش نمی‌کنند. و تنها معدودی با امید تمام، برای رسیدن به آن می‌کوشند؛ چشمی به راه دوخته‌اند، و پیوسته دست به دعا دارند که:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ.^۲

از خدای بزرگ بخواهیم که ما را در زمره این گروه قرار دهد.

۶

به سامان شدن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يُصَلِّحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ.»^۳

رسول خدا ﷺ فرمود:

«مهدی علیه السلام از ما اهل بیت است. خداوند امر [ظهور] او را

در یک شب سامان می‌بخشد.»

شب یلدای غیبت امام عصر علیه السلام به درازا کشیده است. غفلت انسان‌ها از امام غایب در دوره غیبت، غربتی سخت بر جان حضرتش نشانده است. شیطان، هر لحظه در کار است تارشته پیوند

۱. ربیع الانام.

۲. با استفاده از بیان علامه مجلسی ذیل این روایت (بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۹۳).

۳. کمال الدین و تمام النعمة / ص ۱۵۲.

مردم با امام زمانشان را سست کند؛ زیرا می‌داند هرچه این پیوند محکم‌تر باشد، امید او به حیات کمتر است.

یکی از مهم‌ترین دام‌های این دشمن پنهان، آن است که مردم را از ظهور حضرتش ناامید کند. نیرنگ‌های فراوان با رنگ‌های گوناگون به کار می‌برد تا «غیبت» را - که امری عارضی و نتیجه گناهان مردم، به ویژه غفلت امت از امام زمان خود و عدم مراجعه به اوست - امری عادی وانمود کند؛ به گونه‌ای که اساساً ظهور را از صفحه ذهن و اندیشه آدمیان محو سازد.

گاهی آینده درخشنده ظهور را چنان تیره و تار نشان می‌دهد که انسان، غیبت را بیش از ظهور دوست بدارد.

گاه فواید و منافع مادی و معنوی دوره ظهور را از یادها می‌برد، تا آنجا که دیدگان را همواره به ظلمت عادت دهد، و در این حال، معنای ظلمت و نور را در ذهن مردم، واژگون نشان می‌دهد.

باری، در میانه این همه نیرنگ‌های تو در تو، کلام مبین رسول امین صلی الله علیه و آله همچون شهابی شب شکاف، پرده تیره آسمان را می‌درزد و درس انتظار لحظه به لحظه و دم به دم را به ما می‌آموزد.

جای دارد تا از خود پرسیم: آیا از عمق جان، این حقیقت را باور داریم که هر شب، ممکن است امر ظهور مقدر شده باشد و هر بامداد ممکن است - به اذن و تقدیر الهی - بامداد ظهور باشد؟ اگر پاسخ مثبت است، آیا انتظاری درخور این «رستاخیز ناگهانی» در جان خود سراغ داریم؟ آیا جان‌های خود را در این زمستان دیرپای غیبت حضرتش، با کیمیای انتظار، به رنگ بهار دوران ظهور درآورده‌ایم؟

سخن کوتاه، از خود بپرسیم: آیا به راستی ما منتظر ظهور هستیم؟

۷

حقایق پنهان

قال الإمام الباقر عليه السلام :

«إِذَا قَامَ قَائِمٌ أَهْلَ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ، فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرِ خَفِيٍّ.»^۱

امام باقر عليه السلام فرمود:

«چون قائم خاندان پیامبر [صلوات الله عليهم] به پاخیزد در میان مردم به طور یکسان تقسیم و عادلانه رفتار کند؛ آن که فرمانبری او نماید، به راستی که فرمانبری خدا کرده است؛ و آن که نافرمانی او کند، به راستی که خدا را نافرمانی کرده است. جز این نیست که او از این رو مهدی نام یافته است که به امری پنهان (حقایق و معارف والای الهی) راه می یابد.»

از کلام نورانی شکافنده علوم پیامبران امام باقر عليه السلام، درس های گرانمایه در معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه فرا می گیریم،

که فقط به نکته‌ای از آن اشاره می‌شود:

«عدالت» با ظهور حضرت مهدی علیه السلام معنا می‌یابد. کُنه معنای این سخن را کسی درمی‌یابد که ظلم‌های به نام عدالت را باز شناسد. برای نمونه، «ظلم به نفس» از مصادیق آشکار ظلم است که هیچ‌گاه در تاریخ بشر، به عنوان ظلم و ستم مطرح نشده مگر در پرتو تعالیم وحی، که فرموده است:

«إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»^۱

به درجات دیگر نیز هر گناه و معصیتی را «ظلم به نفس» خوانده و به ما آموخته‌اند که در راز و نیاز خود با خدای بی‌نیاز اعتراف کنیم:

«ظَلَمْتُ نَفْسِي»^۲

این است که در دعا‌های رسیده از ناحیه امام ابوالحسن الرضا علیه السلام از خدا می‌خواهیم که با ظهور حضرتش، «عدل ناشناخته» را بر پای دارد.^۳ تا زمانی که انسان ظلم را نمی‌شناسد، با عدل بیگانه است. از این رو عدالت بی‌همتای زمان ظهور، چنان بهشتی در زمین پدید می‌آورد که هیچ چشمی ندیده، هیچ گوشی نشنیده، و به قلب هیچ بشری نرسیده است.

چنان عدالتی در پهنه جهان حاکم می‌شود که:

ارواح مردگان مؤمن، در قبور خود، با هم دیدار کنند و همدیگر را به ظهور حضرتش بشارت دهند.^۴

۱. لقمان / ۱۳: «همانا شرک، ستمی بس بزرگ است.»

۲. مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

۳. بحار الانوار، ج ۹۵ / ص ۳۳۱.

۴. غیبت نعمانی / ص ۳۱۰.

مؤمنانی که از زندان دنیای پیش از ظهور رهیده‌اند، آرزوی بازگشت به دنیا کنند، تا آن بهشت زمینی را به چشم خود ببینند.^۱ برای رسیدن به این عصر طلایی، هر چه تلاش کنیم، حق آن دوران بی‌مانند و شکوهمند را ادا نکرده‌ایم. با این همه، در حدّ وسع و توان خود وظیفه داریم تا در نخستین گام، خود و مردم را با آن حجت خدا آشنا کنیم و روح انتظار را در جان خود و جان‌های دیگران بدمیم و توفیق از خداست.



ولادت مخفی

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام :

«الْقَائِمُ مِنَّا تَخْفَى وِلَادَتُهُ عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَقُولُوا لَمْ يُوَلَدْ بَعْدُ لِيَخْرُجَ حِينَ يَخْرُجُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيِّنَةٌ.»^۲

امام سجاد عليه السلام فرمود:

«قائم از ماست، میلادش بر مردم پنهان می‌ماند تا این که گویند: هنوز زاده نشده است. او چون [از پرده غیبت] به درآید، پیمان هیچ‌کس [از زورمداران] را برگردن ندارد.»

حضرت موسی کلیم الله پیامبر بزرگواری بود که خدای تعالی او را برای هدایت بنی اسرائیل و نجات آنان از ستم‌ها و ضلالت‌های

۱. بحار الانوار، ج ۵۱ / ص ۱۰۴.

۲. کمال‌الدین و تمام النعمة / ص ۳۲۲ و ۳۲۳.

فرعونیان ذخیره کرده بود.

تقدیر الهی چنین بود که ولادت حضرتش به دور از دیدگان دشمن انجام گیرد و آنان - در حالی که پیامبر الهی را در میان خود دارند - از وجود او بی خبر باشند؛ تا آن گاه که امر الهی فرارسد و آن پیامبر بزرگوار، بر نامه الهی خود را آشکار کند.

امام عصر عجل الله تعالی فرجه نیز «ذخیره الهی برای نصرت دین»^۱ و قیام کننده‌ای است که خروجش را برای نابودی ظلم و ظالم در سراسر جهان، امید می‌برند.^۲

اما این بار، سخن، نه تنها در میان بنی اسرائیل و نه در محدوده زمانی کوتاه، که سخن از عدالتی فراگیر در سطح جهان تا دامنه روز رستاخیز است. پس چرا ستمگران، در هر دوره و زمانی، در پی آن منجی موعودند تا حضرتش را آزار رسانند؟!

به همین دلیل، خدای متعال ولادت او را همسان ولادت حضرت موسی کلیم الله قرار داد، تا در زمانی که حکمت خدای تعالی اذن دهد، حضرتش بر نامه الهی خود را آشکار کند و آن ندای آسمانی، بر فراز گنبد نیلگون طنین افکند.

البته در این میان؛ کوتاه‌بینان، کژاندیشان و منکران - به بهانه ندیدن یا نشناختن حضرتش - حتی تولد آن گرامی را انکار می‌کنند. اما خدای عزوجل نور خود را تمام می‌کند، گرچه منکران را خوش نیاید. گواه این سخن، گواهی ده‌ها تن از دانشمندان اهل سنت - علاوه بر تمام دانشمندان شیعه - به میلاد شکوهمند و پنهانی

۱. بحار الانوار، ج ۹۹ / ص ۹۸.

۲. القائم المؤمل.

آن امام همام علیه الصلوة و السلام است.^۱

۱

ثواب هزار شهید

قال الإمام السجّاد عليه السلام :

«مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَ لَآيَتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أُعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ
أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ»^۲

امام سجّاد عليه السلام فرمود:

«کسی که در غیبت قائم ما بر ولایت و دوستی ما ثابت قدم
باشد، خداوند پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و أحد را
به او ببخشد.»

غیبت حضرت مهدی عليه السلام از آزمون‌های بزرگ الهی است که
بندگان خود را بدان می‌آزماید. این آزمون دشوار، دو گروه را از هم
جدا می‌کند:

گروهی که به بهانه ندیدن امام زمان خود، از عقیده به حضرتش
برمی‌گردند.

گروهی که آن چنان به ادله و براهین الهی عقیده دارند که امام
نادیده را همچون امام حاضر، در دل‌های خود، حاضر و ناظر می‌بینند.
نکته مهم این است که:

کسانی که محضر رسول خدا صلوات الله عليه وآله را درک کرده‌اند و در پیشگاه آن

۱. رجوع شود به کتاب دانشمندان عامه و مهدی موعود، نوشته آقای علی دوانی.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۲۵.

گرامی، به فوز جهاد و فیض شهادت رسیده‌اند؛ البته مقامی والا دارند. اما کسانی که محضر رسول خدا و ائمه هدی علیهم‌السلام را درک نکرده‌اند و بر اساس حجّت‌ها و برهان‌های قطعی عقلی و نقلی، به آن بزرگواران ایمان آورده‌اند، رتبه‌ای والاتر از گروه اول دارند.

برای آنان که در زمان غیبت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه هستند، ایمان به رسول خدا و ائمه هدی، همه در ایمان به حضرت خاتم الاوصیاء علیه‌السلام جلوه‌گر است.

ایمان به ولایت آن امام همام، ایمان به غیبت آن حضرت را نیز در بر دارد.

و هر کس - با توفیق الهی - از این دو آزمون دشوار الهی، سرفراز بیرون آید، بر ده‌ها دشمن بیرونی و درونی غلبه کرده است.

چنین کسی پیوسته در دعا‌های خود، شهادت در رکاب امام عصر علیه‌السلام را از خدایش می‌خواهد؛ چنانچه هر روز در دعای عهد، از ژرفای جان عرضه می‌دارد:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَاعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ... وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ^۱

بر اساس حدیث یاد شده از حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه، کسی که در زمان غیبت امام عصر عجل‌الله‌فرجه بر ولایت حضرتش ثابت قدم بماند، خدای تعالی اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او عطا می‌کند.

۱. مفاتیح الجنان، دعای عهد: «پروردگارا، ما را جزو یاران و یاوران و حامیان و شهیدان در رکابش قرار ده.»



نهایت نور

قَالَ الْإِمَامُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

«بِمَهْدِينَا تَنْقَطِعُ الْحُجَجُ، فَهُوَ خَاتِمُ الْأَيَّمَةِ، وَ مُنْقِذُ الْأُمَّةِ،
وَ مُنْتَهَى النُّورِ وَ غَامِضُ السَّرِّ، فَلْيُهِنَّا مَنْ اسْتَمْسَكَ
بِعُرْوَتِنَا، وَ حُشِرَ عَلَيَّ مَحَبَّتِنَا.»^۱

امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«به سبب مهدی ما حجت‌ها تمام می‌شود؛ و همو آخرین
امامان، رهایی بخش امت، نهایت نور، و راز پوشیده
است. هرکس به ریسمان ما چنگ زند، شادمان باشد و
[در قیامت] با مهر و محبت ما برانگیخته شود.»

«نجات بخشی امت» تاج افتخاری است که خدای عزوجل
منحصراً بر تارک گرامی چهارده نفس گرانبها نهاده است. نور این
چهارده نور پاک بر تارک خاکیان می‌درخشد و همین درخشش، راه
هدایت و نجات را به ره‌جویان می‌نمایاند.

اینان‌اند جبل‌الله‌المتین و عروة‌الوثقی که خدای منان برای
رهایی امت از فتنه و ضلالت، برگزیده و راه‌رهایی را به پیروی از
این بزرگواران پاک‌نهاد منحصر کرده است.

امام هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ در ضمن زیارت جامعه کبیره، در بیانی کوتاه،
همین انحصار را می‌فرماید:

«بِكُمْ أَنْقَذَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ وَ فَرَجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ، وَ أَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا

جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ»^۱

اینک، در این زمان، نجات بخش امت، آخرین امام از خاندان پیامبر است که آخرین حلقه زنجیره نور است؛ در دنیایی که پرده‌های تو در توی ظلمت، آن را پوشانیده‌اند.

انسانی که گرفتار ظلمت شده، جز توجه به کانون نور الهی، چه راهی پیش رو دارد؟ رهروی که در میان همه ظلمت‌ها راه به جایی نمی‌برد، اگر به تنها نقطه نور دیده ندوزد، کفران نعمت الهی را چگونه پاسخ می‌گوید؟

توفان حوادثِ گوناگون، ما را فرا گرفته و در این میان، تنها راه نجات، پیوستن به کشتی نجات امت است. این خوان احسان الهی است؛ هر که می‌خواهد پیش آید، و گرنه هلاکت را برگزیند.

)))

اتمام حجت

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

«مَا مِنْ مُعْجَزَةٍ مِنْ مُعْجَزَاتِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ إِلَّا يُظْهِرُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِثْلَهَا عَلَى يَدِ قَائِمِنَا لِإِتْمَامِ الْحُجَّةِ عَلَى الْأَعْدَاءِ»^۲

۱. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره؛ خداوند ما را به [سبب] شما [اهل بیت علیهم السلام] می‌رهاند، و ما را به [سبب] شما از شدت سختی‌ها گشایش می‌دهد، و از لبه پرتگاه هلاکت و از آتش [دوزخ] دورمان می‌کند.

۲. کشف الحق / ۶۷.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هیچ یک از معجزات پیامبران و اوصیا [پیامبران] نیست، مگر آن که همانند آنها را خداوند تبارک و تعالی بردست قائم ما [عجل الله فرجه] آشکار می‌کند و حجت بر دشمنان تمام می‌شود.»

خدای تعالی به دیده بینندگان در نمی‌آید. آن آفریدگار توانا، به اراده خود، راه میان خود و بندگان را از طریق پیامبران قرار داده که در ظاهر، بشرنند؛ اما در واقع، سفیرانی الهی هستند که سخن آنان کلام خدا و عملشان، فعل او است.

از آن جا که ظاهر این پیامبران به صورت بشر است، بعضی از انسان‌ها ادعای نبوت را از آن بزرگواران نمی‌پذیرند و گاهی حتی آنان را تکذیب می‌کنند.

در این میان، خداوند عز و جل برای این که نبوت پیامبران را به منکران نشان دهد، قدرتی ویژه به آنان می‌بخشد تا کارهای خارق‌العاده‌ای انجام دهند که مردم بدانند این پیامبران، گرچه ظاهراً شکل بشری دارند؛ اما از مرتبه وجودی بالاتری برخوردارند.^۱

از سوی دیگر با ارسال برخی از پیامبران الهی، شریعت پیامبران گذشته نسخ شد. ضرورت توحید، ایمان به نبوت آخرین پیامبر صاحب شریعت است. اما برخی از پیروان پیامبران گذشته، همچنان بر همان شرایع نسخ شده پای می‌فشارند و تن به شرایع

۱. این جمله‌ها، برگرفته از بیان نورانی امام عصر ارواحنا فداه است که به زبان جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی جاری شده است. برای تفصیل این بیان، رجوع شود به کمال الدین و تمام النعمة / ص ۵۰۷.

بعدي الهی نمی دهند.

خدای عزوجل برای نشان دادن خاتمیت رسول امین بر تمام پیامبران علیهم السلام معجزات حضرت خاتم الانبیاء را به دست آخرین جانشین به حق او، حضرت خاتم الاوصیاء جاری می سازد تا در آن زمانه شوکت و قدرت اسلام، پیروان ادیان دیگر، برتری آخرین بازمانده رسول خدا بر تمام پیامبران الهی را ببینند و از همان جا، برتری اسلام را بر ادیان سلف به چشم ظاهر نظاره کنند. بدین گونه حجت در هدایت تمام، و بابی دیگر از ابواب رحمت الهی بر جهانیان ظاهر شود.

۱۲

انتظار و اطاعت

قَالَ الْإِمَامُ الْجَوَادُ علیه السلام :

«إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي...»^۱

امام جواد علیه السلام فرمود:

«قائم ما مهدی علیه السلام است که واجب است در [دوران]

غیبتش منتظر او باشند و در [دوران] ظهورش پیروی او

نمایند، او سومین فرزند من است.»

امام معصوم علیه السلام در هر حال، حجت خداست؛ چه در آن زمان که

از دیده مردم پنهان باشد و چه در آن زمان که او را ببینند، نشانی او را بدانند، و او را به صورت ظاهر بشناسند.

ضابطه اصلی امامت امام، نص (کلام صریح) خدای متعال است که بر زبان پیامبران و امامان پیش از آن امام همام علیه السلام است؛ چه آن امام معصوم، قدرت ظاهری داشته باشد (مانند پنج سال خلافت ظاهری امیرالمؤمنین علیه السلام) یا سال‌ها به امر الهی خانه نشینی برگزیند (مانند بیست و پنج سال حیات مبارک امیرالمؤمنین صلوات الله علیه) یا سال‌هایی را در زندان دشمنان به سربرد (همانند امام موسی بن جعفر صلوات الله علیه) و یا در کاخ خلیفه و منطقه نظامی تحت نظر خلفای غاصب وقت باشد (مانند امام رضا و امام هادی و امام عسکری علیهم السلام). از همین جا، دریچه‌ای به فهم کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله در ذهن ما گشوده می‌شود که فرمود:

«الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ إِمَامَانِ قَامَا أَوْ قَعَدَا»^۱

امام حسن علیه السلام کار را از جنگ آغاز و به خانه نشینی ختم کرد؛ اما امام حسین علیه السلام، سال‌ها خانه نشین بود و پس از آن به کربلا رسید. این دو بزرگوار، در هر حال، امام بودند.

این معنای امامت، با معنایی که فرقه‌های دیگر از آن در نظر دارند، تفاوت اساسی دارد. بعضی از این فرقه‌ها، شرط اصلی امامت را قیام به سیف (شمشیر) می‌دانند.

برخی دیگر، هر صاحب قدرتی را امام می‌پندارند و... امام عصر عجل الله تعالی فرجه نیز از سال ۲۶۰ هجری امام معصوم و حجت

۱. بحار الانوار، ج ۴۳ / ص ۲۹۱. «[امام] حسن و [امام] حسین هر دو امام هستند؛ چه ایستاده باشند یا نشسته.» (کنایه از این که چه به امامت ظاهری رسیده باشند یا نرسیده باشند).

خداست؛ چه در زمان غیبت که وظیفه ما انتظار ظهور اوست و چه زمان ظهور که باید تمام اوامر حضرتش مورد اطاعت قرار گیرد؛ گر چه حکمت آن بر ما پوشیده باشد.

۱۳

تکامل عقل‌ها

قال الإمام الباقر عليه السلام :

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا عليه السلام وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ
بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَّلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ»^۱

امام باقر عليه السلام فرمود:

«چون قائم ما عليه السلام قیام نماید، دستش را بر سر بندگان
می‌گذارد^۲ و به این وسیله خردهای آنان گردهم آمده و
عقل‌هایشان کامل می‌شود.»

«عقل، موهبت و الای الهی، حجّت خدا بر خلق، وسیله تقرب به
خدای سبحان، پایه شخصیت انسان، راهنمای مؤمن، ابزار غور و
بررسی در حکمت و بهترین ابزاری است که انسان در مسیر
عبادت، از آن بهره می‌گیرد.»

عقل، مبدأ امور، قوت و سنگ بنای هر کاری است که خدای
تعالی آن را زینت و نور برای آفریدگان خود قرار داده است.

۱. کمال الدین و تمام النعمة / ص ۶۷۵.

۲. این عبارت حکایت از این است که مردمان دوران ظهور، مورد لطف ویژه آن حضرت قرار
می‌گیرند.

مردم، خالق و مدبّر خود را به عقل می‌شناسند، مخلوق بودن خود را به عقل می‌یابند و نیک و بد را، به ابزار عقل تمییز می‌دهند. این است که عقل، بالاترین سرمایه انسان است؛ همچنان که فقری بدتر از نادانی نیست.

عقل، حجت باطن خداوند است که همگام با حجت ظاهر الهی، یعنی انبیاء و اوصیاء علیهم‌السلام، مردم را به عبادت خدا رهنمون می‌شوند.^۱

عقل با حجاب معصیت، محجوب می‌شود؛ لذا گناهان به عنوان جنود جهل - در برابر سپاه عقل - معرفی شده‌اند.^۲

در زمان شکوهمند و نورانی ظهور، با مغلوب شدن شیطان و کم شدن زمینه‌های گناه، عقل‌ها از محجوب بودن خارج می‌شوند و به شکوفایی می‌رسند.

آن‌گاه که دست پر برکت حجت خدا بر سر عقل‌های انسان‌ها قرار گیرد، عقل‌ها کامل می‌شود، حجاب گناه را می‌درد و راه عبادت خدا - بدون هیچ‌گونه شرک - هموار می‌گردد:

«يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً»^۳

۱. این سطور، بر اساس احادیث ۳، ۱۱، ۱۲، ۱۸، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۳۲، و ۳۴، از کتاب العقل و الجهل اصول کافی به قلم آمد.

۲. کافی، کتاب العقل و الجهل.

۳. نور / ۵۵: «مرا عبادت کنند [و] چیزی را شریک من نگیرند.»

نهال معرفت

قال الإمام الباقر عليه السلام :

«إِنَّ الْعِلْمَ بِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيَنْبُتُ فِي قَلْبٍ مَهْدِيْنَا كَمَا يَنْبُتُ الزَّرْعُ عَلَى أَحْسَنِ نَبَاتِهِ؛ فَمَنْ بَقِيَ مِنْكُمْ حَتَّى يَزَاهُ فَلْيَقُلْ حِينَ يَزَاهُ: أَلْسَلَامٌ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ النُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ.»^۱

امام باقر عليه السلام فرمود:

«همانا علم به کتاب خدای عزوجل و سنت پیامبرش در قلب مهدی ما می‌رُوید، همان‌گونه که کشت و زرع به بهترین صورت خود می‌رُوید. هر که از شما طول عمر یافت و او را مشاهده کرد، به هنگام دیدار آن حضرت بگوید: سلام بر شما ای خاندان رحمت و نبوت، و معدن علم و جایگاه رسالت.»

علم، نوری الهی است که به هر اندازه نصیب هر کس شود، به همان اندازه راه را از بیراهه تمییز می‌دهد و پس از این تمییز، زمان عمل فرا می‌رسد.

علم همراه با عمل، توفیق الهی است و علم بدون عمل، وِزر و وبال صاحبش را می‌افزاید.

این نور الهی، اختلاف را از میان می‌برد، وحدت کلمه را پدید

می آورد و پراکندگی ها را به یکسانی بدل می کند. جایگاه اصلی و انحصاری این نور الهی، امام معصوم علیه السلام است که خدای تعالی تمام آن را در او به ودیعت نهاده و همه آدمیان - از خواص و عوام - را به او نیازمند کرده است: زیرا تمام انسان ها برای پیمودن راه صحیح قرب الهی به علم نیاز دارند؛ و علم را جز از معدن علم نمی توان یافت، همان گونه که هر سرمایه دیگر را باید تنها از معدن آن جست. علم، راه رسیدن به حق و منشأ هر خیر است و در زیارت جامعه کبیره از زبان امام هادی علیه السلام خطاب به تمام امامان هدایتگر صلوات الله علیهم می خوانیم:

«الْحَقُّ مَعَكُمْ وَمِنْكُمْ وَفِيكُمْ وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ. إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلُهُ وَفَرَعُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ.»^۱

«حق با شما و از شما و نزد شماست و بازگشت آن به سوی شماست و شما باید شایستگان و معدن آن.»

بدین گونه، هر کس علم را از غیر معدن آن بجوید، نه به علم، که به جهالت می رسد؛ و این جهل را - به تزیین شیطان - عین علم می پندارد، و به آن دل خوش می دارد. و این است جزای عمل آن که به سوء اختیار خود، علم را از معدن آن نجوید و راه صحیح قرب حق را نیوید. و امروز، امام عصر عجل الله تعالی فرجه «معدن العلم» است.

۱. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

پیوستگی با ولایت

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

«طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزِغْ قَلْبُهُ
بَعْدَ الْهَدَايَةِ.»^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«خوشا به حال کسی که در دوران غیبت قائم ما به فرمان ما

تمسک جوید و پس از هدایت، قلبش به کژی نیفتد.»

قبول امامت امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تنها راه نجات و هدایت در هر
زمان است. در این زمان برای رسیدن به نجات و هدایت، خدای
تعالی راهی جز تمسک پیوسته و مداوم به امام عصر عجل الله تعالی
فرجه قرار نداده است، و کیست که قرب حق را در راهی جز آن چه
خود خدای عزوجل قرار داده بتواند بییماید؟!
در زیارت روز جمعه، خطاب به حضرت ولی عصر عجل الله
تعالی فرجه می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي بِهِ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ.»^۲

و در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى.»

۱ - غیر از معنای لغوی که برای این واژه ذکر کرده‌اند، با توجه به روایات وارده، طوبی نام درختی
است در بهشت؛ برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به کافی، ج ۲ / ص ۲۳۹.

۲. کمال الدین و تمام النعمة / ص ۳۵۸.

۳. بحارالانوار، ج ۱۰۲ / ص ۲۱۵. «سلام بر توای نور خدایی که هدایت یافتگان، به او هدایت
یافته‌اند.»

«کجاست باب الهی که از آن وارد می شوند؟»

«أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ.»^۱

«کجاست واسطه متصل میان زمین و آسمان؟»

و در یکی از زیارات حضرتش می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنُ سَلَكَ غَيْرَهُ

هَلَكَ.»^۲

«سلام بر تو ای راه خدایی که هرکس غیر از آن را پویید، هلاک

شد.»

این، راه انحصاری هدایت است که خدای هدایت‌گر برای هدایت انسان‌ها مقرر داشته است. از خدای منان بخواهیم که توفیق این رهنمونی را از ما نگیرد و ما را بر آن ثابت قدم بدارد، و از ژرفای جان بگوییم:

«رَبَّنَا... وَ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ

رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.»^۳

این دعا را پیوسته از سویدای دل بگوییم تا - به فرموده امام صادق علیه السلام - از «گمراهی پس از هدایت» در امان بمانیم؛^۴ **إِنْ شَاءَ اللَّهُ.**

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲. همان.

۳. بحار الانوار، ج ۹۸ / ص ۳۰۷.

۴. همان.

امتحان

قَالَ الْإِمَامُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عليه السلام :

«إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ، لَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى تُمَيِّزُوا، لَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى تُمَحَّصُوا، وَلَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى يَشْقَى مَنْ شَقِيَ وَ يَسْعَدَ مَنْ سَعَدَ.»^۱

امام صادق عليه السلام فرمود:

«این امر [ظهور حضرت ولی عصر عليه السلام] تحقق نمی یابد مگر پس از ناامیدی، نه به خدا سوگند، به شما نمی رسد مگر این که از هم باز شناخته شوید؛ نه به خدا سوگند، به شما نمی رسد مگر این که پاک و خالص شوید؛ نه به خدا سوگند، به شما نمی رسد تا این که شقی به شقاوت خود و سعادت مند به سعادت خویشتن برسند.»

امتحان و ابتلا از سنت های الهی در آفرینش جهان است؛ که خدای تعالی در کتاب مبین خود فرمود:

﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾^۲

امیرالمؤمنین عليه السلام، دنیا را «خانه آزمایش» می نامد.^۳ و حضرت

۱. کمال الدین و تمام النعمة / ص ۳۴۶.

۲. ملک / ۲: «آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید.»

۳. نهج البلاغه، خطبه اول.

سلیمان نبی علیه السلام حتی در اوج اقتدار خداداد خود، می فرماید:
 «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ»^۱

انسان هنگام نعمت، در معرض امتحان و ابتلاست که آیا شکر نعمت می گزارد یا نه؟ و در زمان فقدان هر نعمت، در معرض امتحانی دیگر قرار می گیرد که آیا بر فقدان آن صبر می ورزد یا نه؟ به هر حال، امتحان سنت قطعی الهی در میان بشر است و در این میان، غیبت حضرت بقیة الله ارواحنا فداها، آزمونی بزرگ و دشوار برای انسانهاست که به اختیار خود، در این آزمون بزرگ، سعادت یا شقاوت را برمی گزینند؛ همان گونه که در زمان طولانی نبوت حضرت نوح علیه السلام گروه فراوانی از انسانها، در خلال امتحانهای متعدد از نبوت حضرتش برگشتند، و راه گمراهی را برگزیدند.^۲

«اللَّهُمَّ لَا تُمِثَّنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ وَلَا تُرِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي»^۳

۱۷

بشارت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«أُبَشِّرُوْا بِالْمَهْدِيِّ فَإِنَّهُ يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى شِدَّةٍ

۱. نمل / ۴۰: «این است فضل پروردگار من، تا مرا بیازماید که آیا شکرگزاری می کنم یا ناسپاسی.»

۲. رجوع شود به حدیث مفصل امام صادق علیه السلام در کمال الدین و تمام النعمة / ص ۱۳۳.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳ / ص ۱۸۷.

و زَلَزِلِ، يَسْعُ اللَّهُ لَهُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود:

«مژده باد شما را به مهدی عجله، زیرا که او در آخرالزمان به گاه سختی و رویدادهای بنیان برافکن ظاهر خواهد شد. خداوند گستره زمین را برایش آکنده از عدل و داد سازد.»

انسان از دیرباز، همزاد ستم و نامردمی و رنج و شکنج بوده و چهره زمین هیچ گاه در گستره خود، حاکمیت مطلق عدالت را ندیده است؛ مگر دوره‌هایی کوتاه از زمان، در نقطه‌هایی از زمین. آیا زمین همواره این گونه باقی می‌ماند؟ و چهره عدل و داد را در پهنه گسترده خود، نخواهد دید؟

مکتب‌های بشری به این پرسش، پاسخ‌هایی در خور خود داده‌اند اما پیامبر خدا ﷺ که به حکم آیه شریفه ﴿مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^۲ جز به وحی الهی سخن نمی‌گوید، پاسخ به این نیاز فطری بشر را، نه بر اساس پندارهای زمینی بشری که بر مبنای حقایق آسمانی و الهی بیان می‌کند.

آن رسول هدایت در این حدیث، آینده درخشان امت خود را در پرتو ظهور فرزندان والاتبار خود، گسترش قسط و عدل در سراسر جهان می‌داند.

اینک، تمام آنها که از ستم و بیداد، جانی خسته دارند، با جست‌وجوی مصادیق ظلم در رفتار و کردار خود، در صدد رفع ظلم‌ها برآیند و جان‌های خود را در پرتو مشعل تابنده بشارت خاتم

۱. دلائل الامامة / ص ۲۵۰.

۲. نجم / ۳ و ۴: «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید، آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.»

الانبياء ﷺ، برای پذیرش آن «عدل منتظر»^۱ آماده سازند که خود، نه تنها آورنده عدل، بلکه عین عدل است، و هر کسی را نرسد که پذیرای آن عدالت تابناک باشد.



همراه ائمه علیهم السلام

قال الإمام الكاظم عليه السلام :

«طُوبَى لَشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا،
التَّابِتِينَ عَلَى مَوَالِينَا وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا، أُولَئِكَ مِنَّا وَ
نَحْنُ مِنْهُمْ، قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَرَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً،
فَطُوبَى لَهُمْ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ وَهُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا
يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»^۲

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«خوشا به حال شیعیان ما! آنان که به ریسمان ما در غیبت
قائم ما چنگ زنند، و بر ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما
پابرجا باشند، آنان از مایند و ما از ایشان. آنان به راستی
ما را امام خود پسندیده‌اند و ما نیز ایشان را [به عنوان]
شیعه خود پسندیده‌ایم. پس طوبی برای آنان که چه
سعادت‌مند و خوشبخت‌اند! به خدا سوگند، آنان در روز
قیامت با ما و در مراتب ما خواهند بود.»

۱. تعبیر دعای افتتاح.

۲. کمال‌الدین و تمام النعمة / ص ۳۶۱.

همراهی با امامان معصوم علیهم السلام در دنیا و آخرت، آرزوی هر فرد شیعه است. اما چگونه می توان به این آرزو دست یافت؟
در این کلام گران قدر، امام کاظم علیه السلام رمز دستیابی به این سعادت را در چند نکته بیان می کنند:

۱- تمسک به حبل ولای ائمه اطهار علیهم السلام در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه.

۲- ثبات بر ولایت خاندان عصمت علیهم السلام.

۳- ثبات بر برائت از دشمنان.

دو نکته بعدی به تعبیری، تفصیل همان نکته اول است. بدون تولی و تبری تمسک به حبل ولایت، عملی نمی شود.
خدای تعالی در قرآن کریم می فرماید:

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾^۱

فردی که چنین عقیده‌ای ندارد، در ادعای تشیع صادق نیست، لذا نمی تواند ادعا کند که منتظر ظهور دولت حقه آل محمد علیهم السلام است.

این است که شیعه پیرو اهل بیت نور علیهم السلام، خطاب به آن خاندان پاک عرضه می دارد:

«أَشْهَدُ اللَّهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ... مُوَالٍ لَكُمْ وَأَوْلِيَاءِكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ... مُنْتَظِرٌ

۱. مجادله / ۲۲: «هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند.»

لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ...»^۱

هر فردی که دوستدار خاندان نور است، باید بکوشد تا این کلمات را در ژرفای جان خود بنشانند، و از سویدای وجود بخوانند.

۱۹

شناخت

عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى:

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾^۲

فَقَالَ:

«يَا فَضَيْلُ اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ، لَا، بَلْ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لِيَوَائِهِ»^۳

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد کلام

۱. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره: «خدا را و شما را گواه می‌گیرم که به شما و به آنچه شما بدان مؤمن‌اید، ایمان دارم؛ و به دشمنان شما و آنچه که شما بدان کافرید، کافرم... دوستدار شما و دوستان شما هستم؛ با دشمنان شما خشمگین و با آنها دشمنی می‌ورزم... فرمانتان را انتظار می‌برم و چشم به راه دولتتان هستم.»

۲. اسراء / ۷۱.

۳. کافی، ج ۱ / ص ۳۷۱.

خدای تبارک و تعالیٰ پرسیدم:

«روزی که هر مردمی را به امامشان فرامی خوانیم.»^۱
فرمود: «ای فضیل! امام خود را بشناس که هرگاه امام خود
را شناختی، مقدم و مؤخر شدن این امر [ظهور حضرت
ولی عصر عجل الله فرجه] به تو زیانی نمی رساند؛ و کسی
که امامش را بشناسد و پیش از قیام صاحب الامر بمیرد،
همتای کسی است که در لشکرگاه آن حضرت نشسته
باشد؛ نه، بلکه همتای کسی است که در زیر پرچمش
نشسته باشد.»

معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه، وظیفه محوری و
اصلی انسانهاست، تا آن جا که رسول خدا ﷺ فرمود:
«مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.»^۲

این معرفت، درجات دارد و یکی از ملاک‌هایی که برای تفاوت
درجه اجر و پاداش اعمال بیان شده، تفاوت درجه معرفت است. در
حدیث شریف می خوانیم:
«الْمَعْرُوفُ بِقَدْرِ الْمَعْرِفَةِ.»^۳

از این رو، هر چه بیشتر در جهت کسب معرفت بکوشیم و در
طلب آن از خدای عزوجل اصرار کنیم، به درجات بالاتری
می رسیم و از گمراهی، بیشتر دور می شویم.

۱. اسراء / ۷۱.

۲. بحار الانوار، ج ۲۳ / ص ۸۹ «هرکه بمیرد [و] امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت
از دنیا رفته است.»

۳. همان، ج ۴۴ / ص ۱۹۶: «معروف به اندازه شناخت و معرفت فرد می باشد.»

چنانچه در دعایی که از ناحیه مقدسه امام عصر عجل الله تعالی فرجه تعلیم شده می خوانیم:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ
ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.»^۱

یکی از ثمرات معرفت، آن است که انسان به ظهور دولت حقه چشم می دوزد و به انجام وظیفه در هر جا و در هر شرایط می اندیشد، و تقدم و تأخر ظهور، مانع او از انجام تکالیف الهی نمی شود. اطاعت از امام هر زمان و حجت حی الهی در هر دوران، وظیفه و تکلیف امت در هر حال - زمان غیبت یا ظهور - است. تمام عبادات دیگر، در پرتو این عبادت رنگ می گیرد و معنا می یابد. غیبت و ظهور، به اذن و اراده الهی است. اما وظیفه ما در هر زمان، عمل به وظیفه است و «معرفت و اطاعت امام عصر» در هر زمان، در سرلوحه وظایف قرار دارد و وظایف دیگر را برای ما روشن می کند. هر کس توفیق عمل به این عبادت را دریافت، غیبت و ظهور - از این جهت - برایش یکسان است.

۲۰

منتظر

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

«أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَرْضَى مَا

۱. بحار الانوار، ج ۵۳ / ص ۱۸۷: «پروردگارا، حجتت را به من بشناسان، زیرا اگر حجتت را به من شناسانی، از دین و آیینم گمراه خواهم شد.»

يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ، وَلَمْ يَظْهَرْ
لَهُمْ وَلَمْ يَعْلَمُوا مَكَانَهُ، وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ
حُجَّةُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ لَا مِيثَاقُهُ فَعِنْدَهَا فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ
صَبَاحاً وَ مَسَاءً»^۱

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:
«نزدیکترین حالات بندگان به خدای بلند مرتبه، و
خشنودترین حالات آنان هنگامی است که به فقدان
حجت خدای بلند مرتبه دچار شده‌اند و از جای او آگاه
نیستند، و در آن حال بدانند که حجت و میثاق خدای
بلندمرتبه باطل نمی‌شود. در آن هنگام، هر صبح و شام در
انتظار فرج باشید.»

جوهره درونی آدمیان، در هنگام آزمون‌ها آشکار می‌شود. هر
چه آزمون دشوارتر، دیرپاتر، گسترده‌تر و ژرف‌تر باشد، این
جوهره را بیشتر می‌نمایاند. امتحان، سنت ارزشمند الهی برای همه
مردم - به ویژه مدعیان ایمان - است. خدای متعال در کتاب
هدایت‌گر خود می‌فرماید.

﴿أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا
يُفْتَنُونَ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ
صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾^۲

۱. کافی، ج ۱ / ص ۳۳۳.

۲. عنکبوت / ۱ و ۲: «آیا مردم چنین پنداشته‌اند که چون بگویند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد
آزمایش قرار نمی‌گیرند. و هر آینه پیشینیان آنان را آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته‌اند، معلوم
دارد و دروغگویان را متمایز گرداند.»

آزمونِ غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه، دشوارترین، دیرپاترین، گسترده‌ترین و ژرف‌ترین آزمون الهی برای مردم است. از این رو کسی که این آزمون را به خوبی پشت سرگذارد، یا با سلامتی در دین، وارد دوره و زمان ظهور می‌شود، و یا با ایمان صحیح دیده از جهان فرومی‌بندد؛ در حالی که به این کلمات زیبای الهی - که از لسان وحی گوی صادق آل محمد ﷺ رسیده - مترنم است:

«اللَّهُمَّ إِنَّ خَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ
عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي، مُؤْتِزِرًا
كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي
فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي.»^۱

به هر حال، آنچه تحمل و دشواری‌های دوره غیبت را آسان می‌کند، ایمان قطعی به این حقیقت است که حجت‌های الهی هیچ‌گاه باطل نمی‌شوند و پیمان او هرگز سست نمی‌شود. با چنین ایمانی وحی را در جان می‌نشانیم که فرمود: پس هر صبح و شام، ظهور را انتظار بکشید و چشم به راه ظهور باشید.

۱. مفاتیح الجنان، دعای عهد: «خدایا، اگر مرگ - که آن را بر بندگانت حتم گردانیدی - میان من و آن حضرت فاصله انداخت، (زمان ظهور) مرا از قبرم بیرون آور، در حالی که کفن بر تن، با شمشیری آخته و لیبیک گویان به حضرتش در هر لحظه و مکان باشم.»

گستره زمین

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
«الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطَوَّى لَهُ
الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ
الْمَغْرِبَ وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ دِينَهُ وَ لَوْ كَرِهَ
الْمُشْرِكُونَ. فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمِّرَ، وَ يَنْزِلُ
رُوحَ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ.»^۱

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که فرمود:
«قائم [عجل الله فرجه] با رعب [و بیمناکی دشمن از او]
یاری می شود، با یاری [الهی] تأیید می یابد، زمین برای
او درنور دیده و گنجینه ها [ی زمین] برایش آشکار
می شود، گستره زمامداری او شرق و غرب [عالم] را فرا
می گیرد؛ خداوند بلند مرتبه دینش را به واسطه او [بر
سایر ادیان] چیره می گرداند؛ پس [در دوران ظهور] هیچ
نقطه ویرانی در زمین نمی ماند مگر این که آبادانی یابد و
روح خدا عیسی بن مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ [از آسمان] فرود آمده و در
نماز به او اقتدا می کند.»

تاریخ، پیوسته سلطه اهل باطل و ستم را نشان می دهد؛ مگر در
زمان های بسیار کوتاه که برخی از اولیای خدا در نقاطی محدود از
زمین قدرت یافته و تا حد امکان، حق و عدالت را اجرا کرده و دین

خدا را به حاکمیت رسانیده‌اند؛ مانند حضرت سلیمان علیه السلام و ذوالقرنین از میان پیشینیان، رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی مرتضی علیه السلام در دوره ظهور اسلام. این بزرگواران، هر یک در حد قدرت خود و اطاعت و معرفت مردم، در محدوده جغرافیایی ویژه و در زمانی کوتاه سلطه یافتند و با وجود مشکلات فراوان، زیبایی حاکمیت حق را نشان دادند.

اما حاکمیت حق را در درازای زمان، در گستره زمین، در ژرفای جان بدون موانع از ناحیه مردم، و پس از آمادگی‌های چند صد ساله انسان‌ها در معرفت و اطاعت حجت حق، تنها در یک زمان می‌توان انتظار داشت؛ آن هم به دست آن امیر بی نظیر که:
- خدایش، برای بزرگداشت اولیای خود و هلاک دشمنانش ذخیره داشته؛^۱

- برای قطع ریشه ستمگران، مهیا ساخته؛^۲

- او را بر بلندای عزتی نشانده که مانند ندارد.^۳

آن بزرگ، حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است. برای اوست که آیه قرآن نازل شد:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^۴

و در زمان اوست که این سوره نویدبخش قرآن در سطح جهانی تحقق می‌یابد:

۱. السَّلَامُ عَلَى الْمُدَّخِرِ لِكِرَامَةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَبَوَارِ أَعْدَائِهِ؛ بحار الانوار، ج ۱۰۲ / ص ۱۰۳.

۲. أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ ذَابِرِ الظُّلْمَةِ، مفاتيح الجنان، دعای ندبه.

۳. عَقِيدَ عِرِّ لَا يُسَامِي، مفاتيح الجنان، دعای ندبه.

۴. صف / ۹: «اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاده است تا آن را بر تمام ادیان چیره

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾^۱
برای رسیدن به آن آبادانی فراگیر - که دامنه جان و جهان، بیرون و درون، آفاق و انفس را در بر می‌گیرد - باید هر لحظه پیش از لحظه پیش، از ژرفای جان، به سوی آن کعبه موعود حرکت کنیم، آلودگی‌ها را از جان و روان بزداییم، و با کیمیای انتظار، مس وجودمان را به طلای ایمان برسانیم.

در این راه، جز با توفیق الهی نمی‌توان پیش رفت. از او کمک بگیریم که تنها او مدد رسان در این مسیر دشوار است.

۲۲

تیغ در دست

عَنْ يَمَانَ التَّمَارِ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُلُوسًا فَقَالَ لَنَا:

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، الَّتِي تَمَسُّكَ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقِتَادِ، ثُمَّ قَالَ: - هَكَذَا بِيَدِهِ - فَأَيْكُمْ يُمْسِكُ شَوْكَ الْقِتَادِ بِدِينِهِ؟ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدُ، وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ.»^۲

یمان تمار گوید: نزد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نشسته بودیم که

۱. نصر / ۱ - ۴: «به نام خداوند رحمان و رحیم؛ آن‌گاه که یاری و پیروزی خدا فرا رسد و مردم را ببینی که دسته دسته وارد دین شوند، پس تسبیح و حمد پروردگارت را به جا آور، و از او آمرزش خواهی کن که همانا او بسیار توبه‌پذیر است.»
۲. کافی، ج ۱ / ص ۳۳۵.

فرمود:

«صاحب این امر را غیبتی است که در آن زمان اگر کسی به دین خود چنگ زند، مانند کسی است که تیغ درخت قناد^۱ را با دست می‌کند. سپس [با حرکت دست] فرمود: بدین گونه. پس کدام یک از شما می‌تواند تیغ درخت قناد را با دست بکند؟ سپس اندکی درنگ کرد و فرمود: برای صاحب این امر، غیبتی خواهد بود، پس بنده [خدا] باید تقوا ورزد و به دینش تمسک جوید.»

حفظ دین، در هر موقعیت و مکان، ارزشمند است اما در شرایط دشوار، ارزش بیشتری دارد.

انسان تا زمانی که در دنیاست، به دنیا نیاز دارد و این نیاز، او را به وابستگی می‌کشاند. دین، بهره‌گیری از دنیا را نهی نکرده، اما پای بندی به آن را نادرست دانسته و از آن بر حذر داشته است. عقل همین مطلب را بیان کند: ضرورت‌های دنیا برای گذران چند روز و چند سال است. اما ضرورت‌های دینی برای یک زندگی بی‌نهایت است. چند سال زندگی محدود کجا و حیات ابدی کجا؟ این حکم عقل است که باید به آن توجه شود، اما واقعیت چیست؟ همان است که حضرت اباعبدالله الحسین صلوات الله علیه بیان فرمود:

«النَّاسُ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعِقُ عَلَى السِّنْتِهِمْ،
يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ، فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ

۱ - درخت قناد: درختی است بزرگ که خارهایی مانند سوزن دارد؛ تعبیر کنندن خار درخت قناد، ضرب المثلی است برای کارهای بسیار دشوار؛ بیان علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲/ ص ۱۱۱.

الدَّيَّانُونَ»^۱

این آزمون‌ها برای حفظ دین، چنان دشوار است که حفظ دین برای انسان؛ مانند دست کشیدن بر تیغ‌های گزنده و برنده درختان. البته اگر معرفتی در انسان باشد، می‌توان این حقیقت را که امام هادی فرموده، به رأی العین دید.

«بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا.»^۲

اما چه کنیم که بیشتر ما انسان‌ها، تنها ظاهر دنیا را می‌بینیم، نه رام و ذلیل بودن آن را در برابر اهل بیت علیهم‌السلام :

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ.»^۳

اگر دیده را از ظاهر جهان به باطن آن بدوزیم، این کلام را که خطاب به اهل بیت علیهم‌السلام می‌گوییم، به روشنی می‌یابیم:

«ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ.»^۴

و می‌بینیم که دنیا، تماماً یک شیء است که در اختیار خاندان نور است و می‌توانند در اختیار دوست‌داران خود بگذارند؛ چنانچه گاهی چنین کرده‌اند.

۱. بحار الانوار، ج ۴۴ / ص ۳۸۳: «مردم بندگان دنیا هستند و دین بر سر زبان‌هایشان مانند آب دهان ناپایدار. تا زمانی که زندگی‌شان به وسیله دین سامان دارد با آن زندگی می‌کنند، آن‌گاه که در بوته بلا و گرفتاری آزمایش شوند، دینداران اندک‌اند.»

۲. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره: «به واسطه دوستی و ولایت شماست که خداوند معالم دینمان را به ما می‌آموزد و کاستی‌های دنیای ما را جبران و اصلاح می‌فرماید.»

۳. روم / ۷: «از زندگانی دنیا، ظاهر آن را آگاهی دارند و از آخرت [کاملاً] ناآگاه‌اند.»

۴. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره: «هر چیزی برایتان خوار است.»

اما توجه به همین ظواهر، به تدریج، معرفت را از انسان‌ها می‌گیرد. ندیدن یا دیدن و نشناختن امام عصر علیه السلام نیز - که معنای صحیح غیبت حضرتش همین است - مزید بر علت می‌شود و این است که امام صادق علیه السلام زمانی که از دشواری دینداری در زمان غیبت سخن می‌گوید، به راوی توصیه می‌فرماید که «دعای غریق» را زیاد بخواند، تا از ضلالت‌های این دوران در امان بماند. این دعا را به زبان جان بخوانیم:

«یا الله یا رحمان یا رحیم، یا مُقَلَّبَ القُلُوبِ، ثَبَّتْ قَلْبِي
عَلَى دِينِكَ.»^۱

ای الله، ای رحمان، ای رحیم، ای دگرگون‌کننده دل‌ها، دلم را بر دینت ثابت و استوار نگه دار.

۲۳

پیمان خدا

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ:
«إِيَّاكُمْ وَالتَّنَوُّيَةَ، أَمَا وَاللَّهِ لَيَغَيِّبَنَّ مَأْمُكُمْ سِنِينَ مِنْ
دَهْرِكُمْ وَ لَتَمَحَّصَنَّ حَتَّى يُقَالَ: مَاتَ، قُتِلَ، هَلَكَ، بِأَيِّ وَادٍ
سَلَكَ؟ وَ لَتَدْمَعَنَّ عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَتَكْفَأَنَّ كَمَا
تَكْفَأُ السُّفُنُ فِي أَمْوَاجِ الْبَحْرِ فَلَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهَ
مِيثَاقَهُ وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ...»^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۴۹.

۲. کافی، ج ۱ / ص ۳۳۶.

مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:
«از شهره شدن پرهیزید. آگاه باشید، به خدا سوگند، امام
شما سالیانی از روزگار شما غیبت می‌گزیند، و یقیناً شما
[در امتحان‌های مختلف] آزموده می‌شوید، تا این که
گویند: او درگذشت، کشته شد، نابود شد، به کدامین وادی
رفته؟ چشمان مؤمنان در فراقش اشکبار است و همچون
کشتی‌ها در امواج دریا بدین سو و آن سو می‌روید. پس
[در آن هنگامه] کسی [از انحراف و هلاکت] رهایی
نمی‌یابد، مگر آن کسی که خدا از او پیمان ستانده و در
دلش ایمان نگاشته است...»

در حدیثی راهگشا و راهنما، امیرالمؤمنین علیه السلام به وفادار و
صاحب سرّ خود، جناب کمیل بن زیاد نخعی، برخی از اسرار
امامت را به ودیعت سپرد؛ از جمله این گوهر والای ولایت که
فرمود:

«اللَّهُمَّ بَلِّغْنِي! لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، إِمَّا
ظَاهِرًا مَشْهُورًا أَوْ خَائِفًا مَغْمُورًا لِنَلَّا تُبْطَلْ حُجَّتُ اللَّهِ وَ
بَيِّنَاتُهُ.»^۱

این حقیقت روشن، تنها میهمان جان‌هایی می‌شود که دیده‌ی ظاهر
بین را بسته و به حقایق می‌نگرند. چنین کسانی، با فهم و درک
صحیح از معنای امامت - که موهبت الهی به آنهاست - امام موسی بن

۱. بحارالانوار، ج ۲۳ / ص ۴۶. «آری خداوند! هیچ‌گاه زمین از حجت الهی تهی نیست که برای
خدا با برهان روشن قیام کند، یا آشکار و شناخته شده یا پنهان و پنهان تا حجت‌های خدا باطل
نشود و نشانه‌هایش از میان نرود.»

جعفر علیه السلام را در گنج زندان، امام می دانند و غاصب بودن هارون الرشید را - در اوج قدرت و ادعای خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله - به روشنی روز می بینند.

در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه، و فاصله افتادن ظاهری میان مردم با حضرتش، شبهات گوناگون و رنگارنگ پدید می آید، که می گویند: از دنیا رفت، کشته شد. و گاهی می پرسند: اگر هست در کدامین سرزمین پنهان شده است؟

امام معصوم علیه السلام نوری است که در دل اهل ایمان، روشن تر از خورشید نیمروز است؛^۱ و امام غایب، یعنی غایب از دیدگان و حاضر در دل های اهل بصیرت و ایمان.^۲ ما از او دوریم، نه او از ما. گفتم که ماه رویت از ما چرا نهان است؟

گفتا: تو خود نهانی، ورنه رُخِمْ عیان است. خدایا! ایمان را در دل های ما بنویس، تا حقایق را ببینیم، نه ظواهر را. تا کشتی ایمان ما، در این دریای مواج، به سلامت به مقصد امام زمانمان برسد.

۶۴

اذن الهی

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ علیه السلام :

«فَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَكُونََ اللَّهُ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴ / ص ۳۴۲، ذیل آیه هشتم سوره تغابن.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲ / ص ۱۹۳.

يُؤَسِّفُ أَنْ يَكُونَ يَسِيرٌ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَّأُ بُسُطَهُمْ وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ أَنْ يُعَرِّفَهُمْ نَفْسَهُ، كَمَا أَذِنَ لِيُوسُفَ حِينَ قَالَ: هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي. *^۱

امام صادق عليه السلام فرمود:

«این امت چه ناباوری دارد که خدا با حجت خود، آن رفتاری را نماید که با یوسف در پیش داشت؛ بدان گونه که در بازارهایشان می‌گردد و بر بساط آنها گام می‌نهد، در حالی که آنان او را نمی‌شناسند؛ تا این که خدای بلند مرتبه او را اجازه بخشد که خود را بشناساند، همان گونه که به یوسف اجازه داد؛ آن جا که فرمود: آیا می‌دانید با یوسف و برادرش چه کردید، در حالی که شما نادان بودید؟ گفتند: آیا تو به راستی یوسف هستی گفت: یوسف منم و این برادرم است.»

خدای تعالی، قصه حضرت یوسف عليه السلام را «احسن القصص» نامید^۲ و فرمود:

﴿لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَ إِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلْمُتَلَبِّينَ﴾^۳

آیات فراوان الهی در این قصه شگفت دیده می‌شود؛ به ویژه

۳. یوسف / ۸۹.

۱. بحار الأنوار، ج ۱۲ / ص ۲۸۳.

۲. یوسف / ۳.

۳. یوسف / ۷: «هر آینه در داستان یوسف و برادرانش، نشانه‌ها (ی هدایت) برای سؤال کنندگان بود.»

شبهات‌های عدیده میان امام عصر و حضرت یوسف علیه السلام.
 برادران حضرت یوسف علیه السلام، نوادگان پیامبران، از اختیار خود که
 موهبت الهی بود، سوء استفاده و به قتل برادر خود - که پیامبر بود -
 اقدام کردند، اما خداوند متعال، نه تنها پیامبر خود را از بلا یا ننگه
 داشت؛ بلکه او را به قدرتی رسانید که برادران را به او نیازمند کرد.
 یک سخن در این جاست؛ در جایی که برادران پیامبر - که خود
 پیامبر زاده بودند - به قتل برادر خود دست یازند، چه جای شگفتی
 است از امتی که امام خود را یاری نکند، تا آن جا که حضرتش از
 دیدگاه افراد نالایق پنهان شود؟

باری، حضرت یوسف علیه السلام با کرامت الهی خود، برادران را
 بخشید، ایشان را پناه داد، مشکل آنها را برطرف و با رفتار کریمانه
 خود، ایشان را شرمنده کرد. اوج این قضیه در آن جاست که برادران
 یوسف، برادر خود را نشناختند تا زمانی که حضرت یوسف به امر
 خدای عزوجل خود را به ایشان شناسانید.

امام صادق علیه السلام در این حدیث، درباره حضرت مهدی ارواحنا
 فداه سخن می‌گوید، که در میان مردم زندگی می‌کند؛ اما به حکمت
 الهی، مردم او را نمی‌شناسند و امر بدین گونه است تا زمانی که
 خدایش اذن ظهور دهد، آن بزرگوار خود را به مردم شناساند و با
 بخشش کریمانه، صفت «رحمة للعالمین» خود را نشان دهد.^۱

در این جا امام صادق علیه السلام به یک معنای غیبت اشاره فرموده که
 «دیدن و نشناختن» است؛ و مثال عینی آن را در یکی از حجت‌های
 پیشین الهی نشان داده است.

۱. اشاره به حدیث لوح؛ کمال الدین و تمام النعمة / ص ۱۳۳.

بارش برکات

قال الإمام الصادق عليه السلام:

«يُنْتِجُ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلًا مِثِّي وَأَنَا مِنْهُ،
يَسُوقُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ بَرَكَاتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَيُنْزِلُ
السَّمَاءَ قَطْرَهَا وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ بَذْرَهَا وَتَأْمَنُ وَحُوشُهَا
وَ سِبَاعُهَا، وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا
وَ جَوْرًا.»^۱

امام صادق عليه السلام فرمود:

«خداوند در این امت مردی را که از من است و من از اویم
به ثمره می‌نشانند، و برکات آسمان‌ها و زمین را به سبب
[وجود مبارک] او خارج می‌سازد، پس آسمان، باران
فراوان می‌بارد، زمین بذر [های نهفته در دل] خود را
بیرون می‌سازد و از حیوانات وحشی و درندگان آسودگی
حاصل می‌شود. او زمین را آکنده از عدل و داد سازد، همان
گونه که از ستم و بیداد پر شده باشد.»

انسان در طول تاریخ از خیرخواهی پیامبران الهی عليهم السلام بهره نبرده
است. در سوره «شعراء» می‌بینیم که خدای متعال، پس از بیان
سرگذشت هر پیامبر و سِرِّ دعوت او، می‌فرماید:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ، وَإِنَّ رَبَّكَ

لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱﴾

تکرار این آیه شریفه در این سوره، نشان می‌دهد که اکثریت مردم همواره با وجود دیدن آیات الهی به انبیای عظام عَلَيْهِمُ السَّلَام ایمان نیاوردند. با وجود این خدای بزرگ، با وجود عزت و غلبه در تمام شئون، به رحمت خود، مردم را از فیض وجود حجت‌های الهی محروم نکرد.

باری، رسیدن برکات آسمان و زمین به مردم، موکول به پذیرش کلام پیامبران، ایمان به آنها، تبعیت از ایشان در تمام موارد است و در یک کلام، اقامه و برپا داشتن کتاب‌های آسمانی و سخنان وحی می‌باشد؛ یعنی همان کاری که بشر در هزاران سال تاریخ حیات خود از آن سر پیچیده است. این دردنامه را از قرآن بشنوید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ

مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا

يَكْسِبُونَ﴾^۲

این تحوّل بزرگ تاریخ بشری، در زمان ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه روی می‌دهد که انسان‌ها در آن زمان، به اختیار خود، پیروی از کلام را بر می‌گزینند و در نتیجه، از برکت‌های آسمان و زمین بهره‌مند می‌شوند. این برکت‌های مادی همراه با ارتقای معنوی به انسان می‌رسد و عبادت خدا، در تمام ابعاد آن، جای شرک

۱. شعراء / ۸ و ۹: «در این، نشانه روشنی است (بر وجود خدا) ولی بیشترشان هرگز مؤمن نبوده‌اند و پروردگار تو عزیز و رحیم است.»

۲. اعراف / ۹۶: «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم، ولی (آنها حق را) تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.»

و کفر را می‌گیرد. برای رسیدن به این بهشت زمینی، باید در پاک‌سازی وجود خود بکوشیم و با دعا برای ظهور آن منجی موعود عجله و وظیفه خود را در راه رسیدن به دوران طلایی ظهور ادا کنیم.

۲۶

شادمانی

عَنْ أَبِي وَائِلٍ قَالَ: نَظَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِلَى ابْنِهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقَالَ:

«إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ كَمَا سَمَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدًا وَ سَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ يَشْبِهُهُ فِي الْخَلْقِ وَالْخُلُقِ، يَخْرُجُ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنَ النَّاسِ وَ إِمَاتَةِ لِلْحَقِّ وَ إِظْهَارِ لِلْجَوْرِ...، يَقْرَحُ بِخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ سُكَّانُهَا... يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.»^۱

ابو وائل گوید: امیرالمؤمنین عليه السلام به پسرش حسین عليه السلام نگریست و فرمود:

«این پسرم سرور است، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را سرور نامید، دیری نمی‌پاید که خدا مردی از دودمان او را ظاهر می‌سازد که همانم پیامبرتان است و در هیئت ظاهر و خلق و خوی شبیه آن حضرت. او به هنگامی که

مردم در غفلت‌اند و حق رانده شده و ستم آشکار گشته،
 [از پرده غیبت] به درآید... آسمانیان از ظهورش شادمان
 می‌شوند... او زمین را آکنده از عدل و داد سازد، همان گونه
 که از ستم و بیداد پر شده باشد.»

امت مسلمان، پس از پایان دوره حیات دنیوی رسول خدا ﷺ با
 دور شدن از خاندان گرامی آن پیامبر نور ﷺ از حضرتش فاصله
 گرفته‌اند. نور تابنده خلق عظیم نبوی، چنان تحت الشعاع ظلمت
 فراگیر مدعیان خلافت حضرتش قرار گرفته و هدایت آن بزرگوار
 چنان با ضلالت‌های آن جانشین‌نماها در آمیخت که تشخیص حق
 از باطل ممکن نشد؛ مگر در میان عده معدودی که به اهل بیت
 حضرتش ﷺ رجوع می‌کردند.

این حقیقت تلخ و جان‌سوز در دعای شریف ندبه، چنین بیان
 می‌شود:

«وَالْأُمَّةُ مُصِيرَةٌ عَلَىٰ مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَىٰ قَطِيعَةٍ رَحْمِهِ وَ
 إِقْضَاءٍ وَلَدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي لِرِغَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ.»^۱

بهر قطع نسل او، امت همه گردید جمع
 تا جدا سازند این پروانه‌ها از گرد شمع
 جزقلیلی پیرو حق در جهان باقی نماند
 آب‌ها آلود، لب‌ها خشک شد، ساقی نماند
 اینک پس از گذشت سده‌های پیاپی، بزرگ‌مردی الهی از سلاله
 حضرتش، خروج می‌فرماید که بیشترین شباهت را به خلقت نبوی
 و اخلاق محمدی ﷺ دارد. ظهور این خلقت به حق پیامبر، فرصتی

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

است مغتنم برای آنها که دین اسلام را بی تحریف و کج فهمی
خواستارند.

از این رو، امام رضا علیه السلام در دعای خود برای حضرت مهدی علیه السلام
عرضه می دارد:

«حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضّاً مَحْضاً صَحِيحاً، لَا عِوَجَ
فِيهِ وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ.»^۱

خدایا! آن روز پرشکوه را هر چه زودتر به ما بنمایان.

۲۷

بیعت

عَنِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ الْمُجْتَبَى علیه السلام قَالَ:

«مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيَّةِ زَمَانِهِ إِلَّا
الْقَائِمُ الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، فَإِنَّ
اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُخْفِي وِلَادَتَهُ وَ يُغِيبُ شَخْصَهُ لِئَلَّا يَكُونَ
لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا خَرَجَ، ذَلِكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي
الْحُسَيْنِ، ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ، يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ، ثُمَّ
يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورَةِ شَابِّ ذُو أَرْبَعِينَ سَنَةً، ذَلِكَ
لِيُعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»^۲

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲ / ص ۱۱۳: «... تا این که دین تو را بازگرداند و [دین] بر دستانش تازه و ناب
و صحیح باشد که کجی در آن راه نداشته و همراه او بدعتی نیز نباشد.»

۲. بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۲۷۹.

«هیچ یک از ما [امامان] نیست، مگر این که بیعتی از طاغوت زمانش برگردن دارد، جز قائم [عجل الله فرجه] که روح خدا عیسی بن مریم نماز را به پیشوایی او می‌گذارد. همانا خداوند عزوجل ولادتش را پنهان و شخصش را پنهان می‌سازد، تا به هنگام قیام برگردنش، بیعت کسی نباشد. آن نهمین از فرزندان برادرم حسین علیه السلام و زاده سرور کنیزان [حضرت نرگس علیها السلام] است. خداوند در [دوران] غیبتش زندگانی او را طولانی می‌سازد؛ سپس او را به قدرت [بی پایان] خود با سیمای جوانی چهل ساله می‌نمایاند؛ این از آن جهت است که بدانند که خداوند بر هر چیز تواناست.»

غم‌نامه تاریخ خاندان نور، هر روز فصلی دیگر از قدر ناشناسی انسان‌ها را نشان می‌دهد. این قصه کفران نعمت را، نه با جوهر قلم بر صفحه کاغذ که با جوهر اشک و خون بر لوح دل‌ها باید نگاشت. آنها که در این قصه پر غصه بدین سان می‌سوزند، جز به دوره نورانی ظهور، چشم امید نمی‌دوزند.

تو ای زندانی زندان غیبت دعا کن طی شود دوران غیبت به آنهایی که مشتاق ظهورند چو سالی بگذرد هر آن غیبت امام حسن مجتبی علیه السلام، سبط اکبر رسول الله صلی الله علیه و آله، شیری است گرفتار آمده به دست روبه‌کانی خدعه ساز و نیرنگ‌باز، و اسیر امتی که کعبه موعود را رها کرده و به بت‌های آب و رنگ دار خود فریفته شده‌اند.

حضرتش در میان این همه رنگ و نیرنگ گرفتار آمد. پس از این

که برای احقاق حقّ خود به پا خاسته بود، به دلیل نداشتن یاران موافق و کثرت مردم منافق ترک جنگ را برگزید.

در این میان، همان امت نمک ناشناس، به جای این که خود را در یاری نکردن امام زمانشان ملامت کنند، به سرزنش حضرتش پرداختند و - بانیش زبان - آن امام همام را آزردهند.

در پاسخ ایشان، امام مجتبی علیه السلام از آینده درخشان امت در عصر طلایی ظهور خبر داد و برخی از ویژگی های امام عصر عجل الله تعالی فرجه را برشمرد:

۱- برخلاف امامان دیگر، بیعتی از سرکشان زمان به گردن ندارد.

۲- حضرت عیسی در زمان ظهور، پشت سر حضرتش به نماز

می ایستد.

۳- خدای عزوجل، ولادتش را پنهان می کند.

۴- خدای متعال، او را غایب می کند.

۵- نهمین امام و از نسل سیدالشهدا علیه السلام است.

۶- مادر بزرگوارش، سرور تمام کنیزان است. (در برابر،

حضرت فاطمه زهرا که سرور تمام زنان آزاده عالم است.)

۷- خداوند، عمرش را دراز می گرداند.

۸- خداوند، با وجود عمر دراز، او را در صورت جوانی چهل

ساله ظاهر می گرداند.

و بدین گونه آیتی شگفت از قدرت خود را نمایان می کند. آن

روز، امام مجتبی علیه السلام، این ویژگی ها را برای آخرین بازمانده خاندان

نور و منتقم این خاندان پاک در برابر ظلمت پرستان بر شمرد.

نزدیک به چهارده قرن از صدور این کلام راهگشا می گذرد.

و ما اینک در زمان غیبت حضرت خاتم‌الاولیاء علیه السلام به سر می‌بریم. سخن در این است که آیا می‌خواهیم همچون اطرافیان امام مجتبی علیه السلام باشیم که امام زمان خود را در برابر دشمنان، تنها گذاشتند؟ یا در سر، عزم آن داریم که با تمام توان، در خدمت حضرتش باشیم؟!

سخن در عبرت گرفتن از تاریخ است. آیا آن تجربه برای محروم کردن بشر از خیر و صلاح؛ و هدایت و نجات، کافی نیست؟ آیا ۱۱۶۰ سال غیبت حضرتش - که عدم مراجعه امت به امام خود و یاری نکردن آن بزرگوار را نشان می‌دهد - کافی نیست؟ چه زمانی به خود می‌آییم؟ چه روزی می‌خواهیم از این معصیت بزرگ، بزرگ‌ترین گناه کبیره - یاری نکردن امام عصر - توبه کنیم؟

این جملات درسی از دیروز بود، که قبلاً گفته آمد، تا فردایی بهتر داشته باشیم! کیست که این فردای بهتر را از خدا بخواهد؟ و برای رسیدن به آن بکوشد؟

برای عزم و تصمیم، هیچ گاه دیر نیست. همین امروز توبه کنیم و به خدای مهربان باز گردیم، و پیمان نصرت با امام زمان خود ببندیم...

۲۸

غیبت و حیرت

عَنِ الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام، أَنَّهُ قَالَ:

«التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُظْهَرُّ

لِلَّذِينَ وَالْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ، قَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ: يَا
 أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِنَّ ذَلِكَ لَكَائِنٌ؟ فَقَالَ عليه السلام: إِي وَ الَّذِي
 بَعَثَ مُحَمَّدًا عليه السلام بِالنُّبُوَّةِ وَ اصْطَفَاهُ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَ
 لَكِنَّ بَعْدَ غَيْبِهِ وَ حَيْرَةٍ فَلَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا
 الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ
 عَزَّ وَجَلَّ مِيثَاقَهُمْ بِوَلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ
 أَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ»^۱

امام رضا از پدر و نیاکان خود از امیرالمؤمنین عليه السلام روایت
 می‌کند که به امام حسین عليه السلام فرمود:

«نهمین فرزندات - ای حسین - همان قائم بر حق
 آشکارکننده دین و دادگستر است. [امام] حسین عليه السلام
 فرمود: گفتم: ای سرور مؤمنان! آیا به راستی چنین است؟
 فرمود: آری، سوگند به آن که محمد صلى الله عليه وآله را به پیامبری
 برانگیخت و او را بر همه مردمان برگزید [چنین می‌شود]
 اما پس از غیبت و سرگردانی [به گونه‌ای که] کسی جز
 مخلصانِ هماغوش با روح یقین بر دین ثابت‌قدم
 نمی‌مانند، همان‌ها که خداوند عزوجل از آنان بر ولایت ما
 پیمان ستاند و در دل‌هایشان ایمان را برنگاشت و با
 روحی (و نیرویی) از جانب خود یاری‌شان کرد.»

در آغاز آفرینش زمین، خدای عزوجل به ملائکه خود فرمود:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۲

۱. کمال‌الدین و تمام النعمة / ص ۳۰۴.

۲. بقره / ۳۰: «من بر روی زمین جانشینی (- نماینده‌ای) قرار خواهم داد.»

و بدین سان درسی بزرگ به بشر داد که: خلقت حجت خدا پیش از آفرینش مردم است؛ چنانچه در حدیث شریف آمده است:

«الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ»^۱

از سوی دیگر، خدای تعالی به ملائکه امر فرمود تا بر حضرت آدم علیه السلام سجده کنند؛ سجده اطاعت، نه سجده عبادت. و این زمانی بود که هنوز خدای بزرگ حجت خود را به ملائکه نشان نداده بود. آزمون بزرگ و مکرر بشر از همین جا آغاز شد؛ آزمون رویارویی با اوامر الهی که چه کسی در برابر آن تسلیم می شود و چه کسی تسلیم را نمی پذیرد و استکبار را بر می گزیند. امر الهی، اطاعت از حجت خدا بود که به چشم سر دیده نمی شد.^۲

این آزمون، بارها تکرار شد. و اکنون در زمان امامت آخرین حجت خدا - حضرت بقیة الله ارواحنا فداء - به سر می بریم که به سبب ندیدن حضرتش، برخی از افراد کوتاه بین به حیرت، و بعضی از بندگان هوای نفس و استکبار طلبان به انکار حضرتش افتاده اند. امام رضا علیه السلام در این کلام نورانی، از روح یقین سخن می گوید که برای صاحبان این روح الهی، دیدن و ندیدن حجت خدا مطرح نیست؛ بلکه معرفت حضرتش مطرح است که در پی آن، تسلیم در برابر او را به اختیار خود در پیش گرفته اند. خدایا! این روح یقین را به ما عطا کن و از ما مگیر!

۱. بحارالانوار، ج ۲۳ / ص ۳۸: «حجت خداوند پیش از آفرینش و همراه با آفرینش و پس از آن وجود دارد.»

۲. این سطور، با استفاده از بیان گران سنگ محدث بزرگ و مؤید شیعه، مرحوم شیخ صدوق ابن بابویه، در مقدمه کتاب نفیس «کمال الدین و تمام النعمة» آمده است.

برترین مردم

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

«تَهْتَدُ الْغَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالْأَيُّمَةُ بَعْدَهُ. يَا أَبَا خَالِدٍ! إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ، الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ، الْمُنتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا ضَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهِدَةِ، وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالسَّيْفِ. أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا، وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا.»^۱

حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

«ولی خدا، وصی دوازدهم رسول خدا صلی الله علیه و آله و [آخرین] امام پس از او، غیبتی خواهد داشت که مدت آن به طول می انجامد. ای ابا خالد! همانا اهل زمان غیبت او که معتقد به امامتش و در انتظار ظهورش باشند، برترین اهل هر زمان هستند؛ زیرا که خدا - که یادش بلند مرتبه است - آن چنان بهره‌ای از عقل و فهم و معرفت به ایشان عطا کرده که غیبت در نزد آنان به منزله مشاهده است، و آنان را در آن زمان در رتبه مجاهدان شمشیرزن در رکاب

رسول خدا ﷺ قرار داده است. ایشان صاحبان راستین
اخلاص و شیعیان بر حق ما و داعیان به سوی خدا در نهان
و آشکارند.»

کسانی که در زمان رسول خدا ﷺ به سر می بردند، درجات
مختلفی از ایمان داشتند:

برخی با وجود پیوند خانوادگی و شناخت دقیق از پیامبر، منکر
نبوت حضرتش بودند؛ مانند ابولهب.

بعضی دیگر، مانند بلال حبشی و سلمان فارسی، پیامبر اکرم را
شناختند و از او تبعیت کردند و در کنارش شمشیر زدند.

و جمعی، با معرفت تمام، به آن پیامبر ایمان آوردند و در راه او
خود را فدا کردند، بدون این که حضرتش را در طول عمر خود دیده
باشند؛ مانند: اویس قرنی، که تنها یک بار به قصد دیدار حضرتش از
یمن به مدینه آمد؛ اما مجال اقامتش در مدینه - به فرمان مادرش -
کوتاه بود. اویس بر اساس معرفت مقام نبوی، اطاعت مادر را بر
دیدار پیامبر ترجیح داد و به یمن بازگشت. رسول خدا ﷺ فرمود:
«تَفْوُحُ رَوَائِحِ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ قَرْنٍ»^۱

کسانی که در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه به امامت
حضرتش ایمان آورند و ظهور او را انتظار کشند، یاد آور اویس
قرنی و ایمان والای او هستند. رسول خدا ﷺ این بزرگواران را
«برادران» خود، خوانده^۲ و در وصف ایشان فرمودند:

۱. بحار الانوار، ج ۴۲ / ص ۱۵۵: «بوی خوش بهشت از طرف قرن می وزد».

۲. بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۲۴.

«آمَنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بَيَاضٍ»^۱

امام سجاد علیه السلام، در این حدیث شریف، مؤمنان زمان غیبت را - که منتظران ظهور امام علیه السلام هستند «برترین مردم همه زمان‌ها» خوانده است و می‌دانیم که در بیان امام معصوم علیه السلام، اغراق و مبالغه وجود ندارد.

در دعای روز عرفه، امام سجاد علیه السلام، برای این بزرگ مردان دعا می‌کند و به زبان وحی، از خدای عزوجل می‌خواهد که بر آنان درود فرستند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ...»

کیست که بخواهد مشمول آن توصیف بی‌اغراق و این دعای مستجاب امام سجاد صلوات الله علیه قرار نگیرد؟
کیست که از این بیان‌های برخاسته از وحی، آتش در جانش نیفزوزد؟ و مرغ جانش را به سوی آن کعبه موعود و قبله دل‌ها به پرواز در نیاورد؟

کیست که وصف این نعمت والا را بشنود؛ اما کفران آن را بر شکر نعمت، ترجیح دهد؟
اینک این خوان نعمت الهی گسترده است و آماده، و انسان مختار را به آن فرا خوانده‌اند؛ هر کس با اختیار خود، هر چه می‌خواهد برگزیند:

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾^۲

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴ / ص ۳۶۶: «به سیاهی (نوشته) روی سفیدی (کاغذ) ایمان می‌آورند.»

۲. انسان / ۳: «ما راه را به او (انسان) نشان دادیم، خواه شاکر باشد، یا ناسپاس.»

۳۰

شوق دیدار

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ بِلَالٍ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَبَّئْنَا بِمَهْدِيَّكُمْ هَذَا، فَقَالَ: «... أَوْ سَعُكُمْ كَهْفًا، وَ أَكْثَرُكُمْ عِلْمًا، وَ أَوْ صَلُّكُمْ رَحِمًا، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ بَعْتَهُ خُرُوجًا مِنَ الْغُمَّةِ، وَ اجْمَعْ بِهِ شَمْلَ الْأُمَّةِ. فَإِنْ خَارَ اللَّهُ لَكَ فَاعْزِمِمْ وَ لَا تَنْتَنِ عَنْهُ إِنَّهُ وَفَّقْتَ لَهُ، وَ لَا تَجُوزَنَّ عَنْهُ إِنْ هُدِيَ إِلَيْهِ، هَاهُ - أَوْ مَا بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ - شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْتِهِ.»^۱

سليمان بن بلال گوید: جعفر بن محمد [امام صادق عليه السلام] از پدرش از جدش از حضرت علی بن الحسین عليه السلام روایت می‌کند که فرمود:

مردی نزد امیرالمؤمنین عليه السلام آمد و عرضه داشت: ای امیرالمؤمنین! ما را از این مهدی خود آگاه سازید. فرمود: «... [او کسی است که] گستره پناهِش بیش از همه شماست و دانشش از شما فزون تر و بیش از شما پیوستگی به وابستگان دارد. بار خدایا! برانگیختن او را رهایی از اندوه قرار ده و پریشانی امت را به سبب او به سامان آور. پس اگر خدا [راه] خیری برای تو قرار داد، [به

سوی او [اره بیوی و اگر موفق به [دیدار] او گردیدی از وی
انحراف مجوی و اگر به سویش هدایت شدی از او
باز مگرد. آه! - و اشاره به سینه مبارکش کرد - که شیفته
دیدار اویم.»

امیر مؤمنان علیه السلام امام معصوم و حجت خداست. در کلام آن امام
همام اغراق و مبالغه راه ندارد. سخن و گفتار حضرتش، همچون
سخن و گفتار رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام، حق است و شائبه حب
و بغض شخصی در آن راه نمی یابد.

این حجت معصوم خدا علیه السلام نسبت به دیدار آخرین فرزند و
جانشین واپسین خود - حضرت مهدی اروحنا فداه - اظهار اشتیاق
می فرماید. معنای این اظهار اشتیاق چیست؟ آیا محبت بشری پدر
بر فرزند است؟ این بیان با مبانی والای ولایت سازگار نیست.^۱ وجه
آن را باید در دیگر جملات حدیث شریف بجوییم:

أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا: وسیع ترین پناهگاه امت است. کسی بیش از او
مردم را پناه نداده و در هجوم بلاها و مشکلات، آغوش مهر خود را
به روی بندگان خدا نگشوده است.

أَكْثَرُكُمْ عِلْمًا: علم او از همه بیشتر است. این آب زلال را که مورد
نیاز تشنگان وادی جهل است، بیش از همه در اختیار دارد.
أَوْصَلُكُمْ رَحِمًا: پیوستگی او به وابستگانش، از همه بیشتر و
گسترده تر است.

آن گاه امیر مؤمنان علیه السلام برای فرزند برومند خود، دست به دعا بر

۱. با استفاده از بیان علامه مجلسی درباره علت محبت فوق العاده حضرت یعقوب به حضرت
یوسف علیه السلام؛ بحار الانوار، ج ۱۲ / ص ۳۲۵.

می‌دارد: «خدایا برانگیختن او را سبب رهایی از گرفتاری قرار ده و پراکندگی امت را به دست او سامان بخش!»
 این وظیفه و تکلیف سنگین را، خدای عزوجل، منحصرأً به عهده‌ولی خود حضرت بقیة الله ارواحنا فداه قرار داده است. از این رو هر کس که رهایی امت از گرفتاری‌های گوناگون و سامان یافتن نابسامانی‌ها را می‌جوید، باید ظهور حضرتش را از ژرفای جان بخواهد؛ چنانچه حضرت صادق علیه السلام در دعای عهد بامدادی به ما آموخت:

«اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ
 عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»^۱

۳۱

مهدی راستین

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَ مِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ
 الْمُنْتَهَى وَ مِنْ السِّدْرَةِ إِلَى حُجْبِ النُّورِ، نَادَانِي رَبِّي جَلَّ
 جَلَالُهُ: يَا مُحَمَّدُ... بِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَعْمُرُ أَرْضِي بِتَسْبِيحِي
 وَ تَهْلِيلِي وَ تَقْدِيسِي وَ تَكْبِيرِي وَ تَمْجِيدِي، وَ بِهِ أُطَهَّرُ

۱. مفاتیح الجنان، دعای عهد: «پروردگارا، این غم و اندوه را با حضور حضرت مهدی علیه السلام از این امت بزدای و ظهورش را بر ما تعجیل فرما؛ همانا آنان (دشمنان) آن را دیر می‌پندارند و حال آن که ما آن را نزدیک می‌دانیم؛ به رحمت ای برترین رحم‌کنندگان.»

الأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي وَأُورَثُهَا أَوْلِيَائِي، وَبِهِ أَجْعَلُ كَلِمَةَ
الَّذِينَ كَفَرُوا بِي السُّفْلَى وَكَلِمَتِي الْعُلْيَا، بِهِ أَحْيِي عِبَادِي
وَ بِلَادِي بِعِلْمِي، وَ لَهُ أَظْهَرُ الْكُنُوزَ وَ الذَّخَائِرَ، بِمَشِيَّتِي
وَ إِيَّاهُ أَظْهَرُ عَلَى الْأَسْرَارِ وَ الضَّمَائِرِ، بِإِرَادَتِي وَ أَمْدُهُ
بِمَلَائِكَتِي لِتُؤَيِّدَهُ عَلَى إِنْقَازِ أَمْرِي وَ إِعْلَانِ دِينِي، ذَلِكَ
وَلِيِّي حَقًّا وَ مَهْدِي عِبَادِي صِدْقًا»^۱

رسول خدا ﷺ فرمود:

«هنگام معراج که به آسمان هفتم رفتیم و از آن جا به
سدره المنتهی و از آن جا به حجاب های نور [رسیدم]،
پروردگار - که شکوهش بزرگ است - بر من ندا در داد: ای
محمد!... تنها به قائم از شما زمینم را به تسبیح و تقدیس
و تهلیل و تکبیر و تمجیدم آباد می کنم، و تنها به واسطه او
کلمه کسانی را که به من کفر ورزند در مرتبه پایین قرار
می دهم و کلمه خود را در مرتبه والا. [همچنین] تنها به
واسطه او سرزمین ها و بندگانم را به دانشم زنده می سازم.
تنها برای او به مشیتم گنج ها و اندوخته ها [ی زمین] را
آشکار می کنم. او را به اراده ام بر رازها و نهانی ها چیره
می گردانم، او را به فرشتگانم یاری می دهم تا بر تحقق
بخشیدن امرم و آشکار ساختن دینم یاری اش نمایند. او
ولی بر حق من و مهدی راستین بندگانم است.»

در آن خلوت سرای عبد و معبود، در میعاد قرب حبیب به
محبوب، در اوج عروج رسول خاتم ﷺ حقایقی از سوی جهان

آفرین به رسول آخرین ابلاغ شد که مشعل تابنده سعادت را برای انسان‌ها برافروخته و رایت بلند هدایت را برای مردم برافراشته است.

در این حدیث شریف قدسی، می‌بینیم که خداوند عزوجل اعلام می‌دارد که وظیفه و تکلیف سنگین پر کردن زمین از تسبیح و تقدیس و عبادت را منحصرأً به ولی و حجت برگزیده خود - حضرت بقیه الله ارواحنا فداه - سپرده است و زمین را - که به کفر و انکار اهل آن، مرده است - بدین گونه به عمران و آبادی واقعی می‌رساند. «احیای زمین» را پس از گذشت قرن‌ها که به دلیل ظلم و ستم زمینیان، مرده است - تنها - به عهده آن امام همام علیه الصلوة و السلام نهاده است و بندگان خود را از هر صنف و گروه، در تمام عوالم - فقط - توسط آن حجت برحق بار دیگر حیات می‌بخشد.

این است آن ولی به حق معبود و امام راستین، موعود هر انسان دردمندی که جانش از ناسپاسی و ستم و جهالت و کینه توزی مردم به ستوه آمده، باید دیده به راه آن امام موعود عجل الله فرجه بدوزد، پای در رکاب او نهد، کمر به خدمتش بندد، دیگران را به راه او فرا خواند و دل‌ها را با آن نقطه نور پیوند زند. به گونه‌ای که تمامی امت از سویدای وجود به یاد امام زمان خود پیوسته سرود انتظار سر دهند و خطاب به خدای عزوجل عرضه بدارند:

«اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا، فَاجْعَلْ سِلَاحِي
بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا.»^۱

خدایا؛ همان گونه که قلب مرا با یاد او آباد قرار دادی، سلاح مرا

در یاری حضرتش کشیده نگهدار! و با همین آمادگی، امام عصر علیه السلام را یاری رسانند.

۳۲

سنت‌های الهی

قال أبو عبد الله عليه السلام :

«إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَنٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام ؛ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، وَ سُنَّةٌ مِنْ عِيسَى، وَ سُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ، وَ سُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ:

فَأَمَّا سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَخَائِفٌ يَتَرَقَّبُ، وَ أَمَّا سُنَّةٌ مِنْ عِيسَى فَيُقَالُ فِيهِ مَا قِيلَ فِي عِيسَى، وَ أَمَّا سُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ فَالَسِّتْرُ يَجْعَلُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْخَلْقِ حِجَاباً يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ، وَ أَمَّا سُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صلوات الله عليه فَيَهْتَدِي بِهُدَاهُ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ»^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

«در صاحب این امر، سنت‌ها و نشانه‌هایی از پیامبران علیهم السلام است: سنتی از موسی بن عمران، سنتی از عیسی، سنتی از یوسف، و سنتی از محمد صلوات الله علیهم.

سنت و نشانه‌ای که از موسی بن عمران در اوست: نامنی

و انتظار است. سنت و نشانه‌ای که از عیسی دارد، این است که درباره او همان سخنان را گویند که درباره عیسی گفتند. سنت و نشانه‌ای که از یوسف دارد، پوشیدگی [و پنهانی] او، [آن گونه که] خدا میان او و مردم حجابی قرار می‌دهد که او را می‌بینند، اما نمی‌شناسند. و اما سنت و نشانه‌ای که از محمد ﷺ دارد این است که به [طریق] هدایت آن حضرت رهنمون می‌شود و بر سیره آن بزرگوار ره می‌پوید.»

امام عصر ارواحنا فداه، وارث پیامبران خدا ﷺ است؛ چنان که در زیارت حضرتش می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلٰی وَاٰرِثِ الْاَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ الْاَوْصِيَاءِ.»^۱

از این رو بسیاری از ویژگی‌های پیغمبران الهی، در حضرتش وجود دارد که به برخی از آنها در روایات معصومین علیهم‌السلام اشاره شده و سید محمد تقی اصفهانی در کتاب نفیس مکیال المکارم به تفصیل به آن پرداخته است.^۲

یکی از ویژگی‌ها «خوف» است که از آن جهت، امام عصر به حضرت موسی علیه‌السلام شباهت دارد. درباره آن توضیحی ضرورت دارد که به اقتضای اختصار این گفتار، به اجمال بیان می‌شود:

«خوف» را گاهی به خطا «ترس» معنا می‌کنند و همین ترجمه غلط، شبهاتی در اذهان پدید می‌آورد.

«ترس» معادل «جُبْن» است، که در برابر آن «شجاعت» قرار دارد.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲ / ص ۱۰۱. «سلام بر وارث پیامبران و پایان بخش جانشینان.»

۲. ترجمه مکیال المکارم، ج ۱ / ص ۲۵۴-۱۹۶.

اما «خوف» به معنای «عدم امنیت» است که در برابر آن «امن» قرار می‌گیرد.

ترس و جبن، در هر حال، صفتی ناپسند و درونی است که در انسان‌های شایسته وجود ندارد؛ چه رسد به انبیاء و ائمه معصومین علیهم‌السلام. اما «خوف و عدم امنیت» به شرایط بیرونی بر می‌گردد؛ یعنی صاحبان قدرت، گاهی امنیت را از بعضی افراد می‌گیرند و بعید نیست که در بعضی شرایط، این امنیت را از اولیای خدا سلب کنند. یکی از آن اولیاءالله که امنیت از او سلب شد و دشمنان او را به حالت «خوف» انداختند، حضرت موسی علیه‌السلام بود که به دلیل عدم امنیت، از مصر خارج شد که قرآن می‌فرماید:

«فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ»^۱

همین عدم امنیت را دشمنان دین برای امام عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه پدید آورده و حضرتش را به غیبت واداشته‌اند، و حضرت مهدی در این صفت، وارث حضرت موسی کلیم‌الله است، در زیارت آل‌یس در مورد حضرت ولی‌عصر، به تعلیم حضرتش می‌خوانیم:

«الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ»^۲

خداوند متعال، در کتاب مبین خود، به عدم امنیت یاران حضرتش در دوران پیش از ظهور اشاره دارد، که با ظهور حضرتش به امنیت بدل می‌شود:

۱. قصص / ۲۱: «موسی از شهر خارج شد در حالی که خائف بود.»

۲. مفاتیح‌الجنان، زیارت آل‌یس.

﴿وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾^۱

در دعایی شریف که حضرت رضاعلی علیه السلام برای تعجیل در ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه تعلیم فرموده‌اند نیز به همین جایگزینی اشاره دارد:

﴿وَ أَبْدِلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا﴾^۲

با این توضیح کوتاه، معنای برخی روایات روشن‌تر می‌شود. برای مثال؛ در روایتی، یکی از حکمت‌های غیبت چنین بیان می‌شود:

«يَخَافُ الْقَتْلَ»^۳

بدیهی است که وارث شجاعت حیدری از کشته شدن نمی‌ترسد؛ بلکه سخن از عدم امنیت است که دشمنان بر حضرتش تحمیل کرده‌اند و به دلیل آن شرایط، از قتل در امان نیست؛ به ویژه آن که - به حکمت‌های الهی - قصد استفاده از قدرت‌های الهی را نیز ندارند. لذا آن بزرگوار از کارهای دشمنان امنیت ندارد؛ نه این که در درون خود ترس از دشمنان داشته باشد، و این عدم امنیت، مستقیماً به نداشتن یاران و یاری نشدن حضرتش مربوط می‌شود. پس اگر ظهور او را از خدا می‌خواهیم، باید با کمک و یاری حضرتش، خوف و ناامنی آن امام را به امن و امنیت بدل کنیم، تا در پرتو آن، نامردی‌ها و ستم‌ها را محو سازد و خدا پرستی و عدالت را به جای آنها در جهان حاکمیت بخشد؛ و مانیز، اگر چنان آرزویی در

۱. نور / ۵۵: «والبته خوفشان را به امنیت تبدیل می‌سازد.»

۲. بحارالانوار، ج ۸۹ / ص ۲۵۱: «پروردگارا، خوف آن حضرت را به امنیت تبدیل فرما.»

۳. بحارالانوار، ج ۵۲ / ص ۹۰.

دل داریم، به حکم عقل، باید نه تنها خود به یاری حضرتش بشتابیم و لحظه‌ای را بدون نصرت ایشان نگذرانیم که یاران آن امام همام را زیاده‌تر گردانیم و عطر نصرت آن امام مظلوم را در سطح جهان بگسترانیم، تا آن غریب غیبت، از غربت و خوف به درآید و به امنیت برسد (اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَظَهْرَهُ).

۳۳

او خواهد آمد

عَنِ السَّيِّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَمِيرِيِّ، قَالَ:

قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ رَوَيْ لَنَا أَخْبَارٌ عَنْ آبَائِكَ عليهم السلام فِي الْغَيْبَةِ وَصِحَّةِ كَوْنِهَا فَأَخْبِرْنِي بِمَنْ تَقَعُ؟ فَقَالَ عليه السلام: «إِنَّ الْغَيْبَةَ سَتَقَعُ بِالسُّادِسِ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَصَاحِبُ الزَّمَانِ، وَاللَّهُ لَوْ بَقِيَ فِي غَيْبَتِهِ مَا بَقِيَ نُوْحٌ فِي قَوْمِهِ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَظْهَرَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.»^۱

سید حمیری گوید:

به امام جعفر صادق عليه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول

خدا، از پدرانیت برای ما روایاتی درباره غیبت و صحت وقوع آن بازگو شده است؛ اکنون مرا آگاه نما که این غیبت درباره چه کسی رخ می‌دهد؟ امام علیه السلام فرمود:

«به راستی، غیبت درباره ششمین فرزندم واقع می‌شود. او دوازدهمین [امام] از ائمه هدایت‌گر پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است. [هم آنان که] نخستین‌شان امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام و آخرین‌شان قیام‌کننده به حق؛ بازمانده [حجت‌های] خدا در زمین و صاحب الزمان است. به خدا سوگند که اگر او در غیبت آن قدر بماند که نوح در قومش باقی ماند، از دنیا نمی‌رود مگر این که ظاهر شده و دنیا را آکنده از عدل و داد سازد، همان‌گونه که از ظلم و بیداد پر شده باشد.»

سید اسماعیل بن محمد حمیری، از بزرگترین شعرای اهل بیت علیهم السلام است که در شرایط سخت دوران بنی‌امیه و اوایل بنی‌عباس، با زبان و قلم خود، ده‌ها سال به یاری خاندان نور صلوات الله علیهم پرداخت.

سید حمیری، نزدیک به نیمی از عمر خود را در پیروی از مذهب «کیسانی» سپری کرد؛ یعنی محمد بن حنفیه را آخرین امام و مهدی موعود می‌دانست. اما پس از گذراندن مراحل، به توفیق الهی و عنایات امام زمانش حضرت صادق علیه السلام به راه حق هدایت شد و باقیمانده عمر خود را در خدمت به آن امام همام گذراند.

اشعاری که از سید حمیری به جای مانده، به خوبی بر این مطالب گواهی می‌دهد، به خصوص قصیده عینیّه او که مورد توجه حضرت

رضا علیه السلام نیز قرار گرفته است.

آنچه در این روایت بسیار چشمگیر است، این سخن سید حمیری است که می‌گوید، از امامان معصوم علیهم السلام اخباری درباره اصل غیبت و وجود امام غایب به ما رسیده است؛ یعنی اصل غیبت برای ما قطعی است. مهم این است که مصداق این امام غایب کیست. به همین دلیل سید حمیری به خدمت امام صادق علیه السلام می‌رسد تا بپرسد که غیبت برای کدام یک از جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله روی می‌دهد. این پرسش و پاسخ، پس از هدایت سید حمیری به دین بوده است؛ چنانچه فرقه‌های دیگر با مسلم دانستن اصل غیبت - به دلیل خبرهای فراوانی که از پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله به آنها رسیده بود - افراد دیگر را به عنوان امام غایب معرفی کردند؛ از جمله فرقه کیسانیه که خود حمیری نیز مدتی از عمر خود را در آن طریقه گذرانده بود.

باری، با مراجعه به تاریخ اسلام، می‌بینیم که اصل غیبت (به معنای غایب شدن حجت خدا، بدون این که نبوت یا امامت او خدشه دار شود) تا آن جا به ذهن مردم آشنا بود که خلیفه دوم پس از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله تا مدتی در میان مردم اعلام می‌کرد که پیامبر از دنیا نرفته است، بلکه از میان قوم خود غایب شده، همچنان که حضرت موسی علیه السلام مدتی از قوم خود غایب شد.^۱

آنچه در این گفتار کوتاه برای ما مهم است، آشنایی ذهن و

۱. درباره این سخن خلیفه دوم، و منشأ و علت و نتایج آن، مراجعه شود به تحقیقات موزخ محقق معاصر اهل سنت مصری، عبدالفتاح عبدالمقصود، که ترجمه فارسی آن تحت عنوان «خاستگاه خلافت» منتشر شده است (ترجمه سید حسن افتخار زاده، تهران: نشر آفاق).

اندیشه مسلمانان با این مفهوم بود که در نتیجه سخنان فراوان پیامبر رحمت، برای مردم پدید آمده بود. بر این اساس - و دلایل فراوان دیگر که در این مختصر مجال طرح آنها نیست - بطلان سخن بعضی از شرق شناسان، برخی از نویسندگان اهل سنت و معدودی از نویسندگان وطنی پیرو آنها روشن می شود که «غیبت» را مفهومی ساخته و پرداخته اندیشه گروهی از مسلمانان در قرن سوم هجری می پندارند.^۱

با همین بیان مختصر روشن می شود که انسان منصف و حق طلب کسی است که برای یافتن ریشه مطالب، زحمت جست و جو را بر خود هموار می کند، و به سخنان دست چندم اکتفا نمی کند. از سویی، اهمیت معرفت امام عصر علیه السلام در حدی است که در راه شناخت آن و پاسخ گویی به این گونه سخنان غیر علمی، باید وقت صرف کرد. از یاد نبریم که طبق حدیث متواتر، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.»^۲

و اهمیت این معرفت تا آن جاست که امام عصر علیه السلام در ضمن دعایی که تعلیم فرموده اند، بیان می کنند:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ
ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.»^۳

۱. برای تفصیل بیشتر در این زمینه، رجوع شود به کتاب: ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت (نوشته عبدالحسین فخاری، تهران: نشر آفاق).

۲. درباره این حدیث شریف، و سند و دلالت آن رجوع کنید به کتاب ارزشمند: شناخت امام یا راه رهایی از مرگ جاهلی (نوشته مهدی فقیه ایمانی، چاپ قم، ۱۳۷۰).

۳. غیبت نعمانی / ص ۱۶۶.

اکنون هر کس که می خواهد گمراه شدگان از دین را به راه هدایت برساند، بداند که شاهراه هدایت و شاه کلید رهایی از گمراهی در دین، شناساندن امام عصر ارواحنفاذ و پاسخ گویی به شبهات مربوط به آن بزرگوار است.

توفیق تداوم این عبادت والای الهی را از خدای متعال، پیوسته خواهانیم.

۳۴

نابودی شیطان

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْأَزْدِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ سَيِّدِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»^۱ فَقَالَ: «النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ وَالبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الغَائِبُ». فَقُلْتُ لَهُ: وَ يَكُونُ فِي الْأَئِمَّةِ مَنْ يَغِيبُ؟ قَالَ: «نَعَمْ، يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَلَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَّا، يُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَ يُذَلِّلُ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَ يُظَهِّرُ لَهُ كُلَّ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَ يُقَرِّبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ وَ يُبِيرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ...»^۲

محمد بن زیاد ازدی گوید:

۱. لقمان / ۲۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱ / ص ۱۵۰.

از مولایم موسی بن جعفر علیه السلام درباره این کلام خدای عزوجل پرسیدم: «و نعمت آشکار و نهان خود را بر شما فرو فرستاد.» فرمود: «نعمت آشکار، امام آشکار است و نعمت پنهان، امام غائب.»

[راوی گوید!] گفتیم: آیا در میان ائمه علیهم السلام کسی هست که غیبت گزینند؟ فرمود: «آری، از چشمان مردم، شخص او غائب می شود، اما از دل های مؤمنان یادش پنهان نمی ماند. او دوازدهمین ماست که خدا هر سختی را برای او آسان، هر امر دشواری را برایش رام، گنج های زمین را برایش آشکار، هر دور را برایش نزدیک، هر ستمگر سرکشی را به واسطه او هلاک و هر شیطان سرکشی را بر دست او نابود می سازد.»

«ابلیس» بنده ای از بندگان خدا و از گروه جنیان بود^۱ که پس از شش هزار سال عبادت،^۲ در یک امتحان خدا، به سوء اختیار خود، استکبار را به جای تسلیم برگزید.^۳ از سجده بر حضرت آدم علیه السلام - که سجده اطاعت بود، نه سجده عبادت -^۴ خود داری کرد و به جای آن، عبادتی دیگر به خدای تعالی پیشنهاد کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

ابلیس گفت: خدایا! مرا از سجده بر آدم معاف دار، تا چنان عبادتی برایت پیش آورم که هیچ ملک مقرب و پیامبر مرسلی، بدان

۱. کهف / ۵۰: «كَانَ مِنَ الْجِنَّ»

۲. نهج البلاغه، خطبه قاصعه، خطبه ۲۳۴ فیض الاسلام.

۳. بقره / ۳۴: «أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ»

۴. بحار الانوار ج ۱۱ / ص ۱۴۱؛ حدیث نبوی صلی الله علیه و آله.

گونه تو را عبادت نکرده باشد.

خدای عزوجل فرمود: مرا به عبادت تو نیازی نیست. من خواهان عبادتی هستم آن گونه که خودم اراده می‌کنم؛ نه آن چنان که تو می‌خواهی.^۱

باری، ابلیس را به دلیل این استکبار، از بارگاه قرب الهی دور داشتند و در زمرة کافران قرار گرفت.

پس از این واقعه، هزاران سال است که ابلیس به گمراه کردن فرزندان حضرت آدم می‌پردازد و در این راه، تمام امکانات خود را به کار می‌گیرد.^۲

البته در این میان، اختیار انسان نیز مهم‌ترین عامل مؤثر است که بر اساس آن می‌تواند از وسوسه‌های شیطانی تبعیت کند یا نکند. به عبارت دیگر، همان گونه که در تمام عمر ابلیس، اختیار از او سلب نشده است (چه در دوره عبادت و چه در دوره کفر) به همین سان، اختیار از انسان‌ها نیز سلب نمی‌شود، تا هر فردی، هر راهی را که می‌خواهد، برگزیند.

حال، چرا خداوند متعال، انسان را در طول زندگانی خود در معرض این امتحان بزرگ قرار می‌دهد؟ حکمت‌هایی در این مطلب وجود دارد که در این مختصر، مجال بیان آن نیست.

به هر صورت، وسوسه‌های ابلیس، در کارهای زشت آدمیان اثرگذار است؛ گرچه عامل اصلی در هر کار انسان - خوب یا زشت - اراده و اختیار اوست.

۱. بحارالانوار، ج ۱۱/ص ۱۴۱، حدیث ۷.

۲. برای تفصیل بیشتر، بنگرید به: بحارالانوار، ج ۶۳ باب مربوط به ابلیس.

این عامل تشویق بر گناه، در زمان ظهور، به دست با کفایت امام عصر ارواحنا فداء از میان می‌رود و بدین ترتیب زمینه مساعد برای بسیاری از گناهان به زمینه‌ای برای اطاعت و عبادت بدل می‌شود.

این اقدام بزرگ امام عصر ارواحنا فداء کاری است اساسی و مبنایی که در طول تاریخ بشر - از زمان خلقت حضرت آدم تا قیام قیامت - بی سابقه و بی نظیر است و این کار بی مانند، یکی از برگ‌های درخشان کارنامه حضرت ولی عصر ارواحنا فداء در دوران ظهور موفور السرور آن بزرگوار است.

البته در آن زمان نیز، اختیار انسان سلب نمی‌شود و باز هم این اساس اختیار، موهبتی الهی است که انسان، راه اطاعت یا معصیت را بر می‌گزیند. ولی محو شدن همان زمینه‌های مساعد، کمک زیادی به انسان می‌کند تا عبادت را انتخاب کند.

به همین دلیل، دوران طلایی ظهور، دوران شکوفایی عبودیت خدا برای انسان‌هاست و هر فرد موحدی که عبادت خدا را در بهترین نحو و بالاترین درجه آن دوست دارد، باید از دعا برای تعجیل ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداء غافل نباشد، و همواره در زمینه سازی برای رسیدن به آن دوران نورانی بکوشد.

۳۵

امیدواری

عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ:

«كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو، فَإِنَّ مُوسَى بَنَ

عَمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَرَجَ لِيَقْتَنِسَ لِأَهْلِهِ نَاراً فَرَجَعَ إِلَيْهِمْ وَهُوَ رَسُولٌ نَبِيٌّ فَأَصْلَحَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمْرَ عَبْدِهِ وَنَبِيِّهِ مُوسَى فِي لَيْلَةٍ، وَكَذَا يَفْعَلُ اللَّهُ تَعَالَى بِالْقَائِمِ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصْلِحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ كَمَا أَصْلَحَ اللَّهُ أَمْرَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يُخْرِجُهُ مِنَ الْحَيْرَةِ وَالْغَيْبَةِ إِلَى نُورِ الْفَرَجِ وَالظُّهُورِ»^۱

امام صادق علیه السلام به یکی از شیعیان فرمود:

از آن چیز که ناامیدی [نسبت] به آنچه امید داری، امیدوارتر باش. چنان که موسی بن عمران علیه السلام رفت تا برای خانواده‌اش آتشی باز آورد، در حالی که در بازگشت به سوی ایشان، فرستاده خدا و پیامبر بود. بدین گونه بود که خدای تبارک و تعالی امر بنده و پیامبرش را به شبی سامان آورد؛ و نیز بدین گونه است کردار خدای تعالی با قائم - آن دوازدهمین [امام از سلاله] ائمه علیهم السلام - که در یک شب امر [ظهور] او را سامان می‌بخشد - همان گونه که امر [پیامبری] موسی علیه السلام را سامان بخشید - و او را از حیرت و غیبت به سوی نور و فرج و ظهور بیرون می‌آورد.»

انسان، ذاتاً فقیر است و از خود هیچ ندارد. آنچه در اختیار اوست، همه، موهبت‌های الهی است که بدون استحقاق انسان و صرفاً بر مبنای فضل الهی به او عنایت شده است. از این رو، در دعای وارده از ناحیه امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

«يَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا.»^۱

و در دعای ماه رجب، به تعلیم امام صادق علیه السلام می خوانیم:

«يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ، يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ

لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً.»^۲

اگر خدای متعال بر مبنای عدل با انسان رفتار کند، شایسته هیچ لطف و احسانی نیست؛ چنان که حضرت سیدالشهداء علیه السلام در دعای عرفه خود عرضه می دارد:

«وَ عَدْلُكَ مُهْلِكِي وَ مِنْ عَدْلِكَ مَهْرَبِي.»^۳

اگر انسان تنها به آنچه در دست خود دارد، بیندیشد، سخن همان است. اما امیدبنده تماماً به خدا است؛ همان امیدی که در شدت ظلمت، چون شهابی از نور می تابد و قلب تیره را روشن می کند. امام صادق علیه السلام، در مورد حضرت موسی کلیم علیه السلام می فرماید که آن حضرت برای رفع مشکل خانواده خود، به سوی کوه طور رفته بود؛ اما بدون این که از خدای خود خواسته باشد، او را به خلعت والای نبوت افتخار بخشید.

امر ظهور حضرتش، همین گونه است: در زمانی که یأس مطلق بر جان انسانها سایه افکنده و بر اساس عوامل و محاسبات ظاهری هیچ امیدی به ظهور ندارند، ناگهان یک شب، خداوند

۱. بحارالانوار، ج ۸۷ / ص ۳۷: «ای ابتداکننده به [بخشش] نعمتها پیش از داشتن استحقاق [آن]ها.»

۲. بحارالانوار ج ۹۸ / ص ۳۹۰ «ای کسی که هرگاه از تو درخواست کنند به آنها اعطا کنی، ای کسی که هرگاه از تو درخواست نکرده باشند نیز بدانها اعطا کنی؛ آنان که به خواسته خود آگاهی ندارند، بلکه از روی لطف و محبت بدان عنایت کنی.»

۳. بحارالانوار ج ۹۸ / ص ۲۲۲ «اگر از روی عدلت با من رفتار کنی، هلاک شوم...»

متعال، چنان امر فرج حضرتش را به سامان می آورد، که هیچ کس انتظار آن را ندارد. دقت در این آیه قرآن، درس های شگفتی برای ما دارد:

﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ
نَصْرُنَا﴾^۱

معنای این آیه، بر اساس اخبار اهل بیت علیهم السلام چنین است: تا آن زمان که فرستادگان الهی از ایمان قوم خود نومید شدند و اقوام آنها نیز گمان کردند که خدای تعالی در وعده نصرت خود با رسولانش، دروغ گفته است؛ در آن حال، یاری ما به رسولان الهی رسید.^۲

در احادیث اهل بیت، این آیه شریفه، به ظهور ناگهانی و دور از انتظار حضرت ولی عصر ارواحنافداه تأویل شده است.^۳ از این آیه و تأویل، و آن بیان حضرت صادق علیه السلام، این درس را می آموزیم که در هر لحظه، باید منتظر ظهور باشیم؛ چون نمی دانیم که خدای قادر حکیم در کدامین شب یا کدام روز، امر فرج را مقدر فرموده است.

بر همین اساس بیشتر منتظر اصل ظهور باشیم تا علائم ظهور. کلام نورانی حضرت ولی عصر ارواحنافداه را از یاد نبریم که خطاب به شیعیان خود فرموده اند:

۱. یوسف / ۱۱۰.

۲. این ترجمه و تفسیر آیه، بر مبنای احادیثی است که محدث بزرگ شیعه مرحوم شریف لاهیجی، در تفسیر گران قدر خود روایت کرده و با ترجمه های رایج تفاوت آشکار دارد. اهل نظر را به دقت در این تفاوت ها فرا می خوانیم.

۳. ینابیع المودة / ص ۵۰۹.

«وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»^۱

برای عمل به این کلام الهی هیچ زمانی را برای دعای تعجیل فرج از دست ندهیم.^۲

بکوشیم جان‌ها را بهاری کنیم. تا از همین زمستان سرد و یخ‌زده غیبت، به سوی بهار ظهور، هجرت دل‌ها را آغاز کنیم. درون دل‌ها و برون آنها، عمل‌ها را چنان کنیم که مورد رضای حضرتش باشد.

در جهت آشنایی بیشتر خود و دیگران با حضرتش، تلاش کنیم تا زمینه نصرتش فراهم شود.

روح امید به ظهور و انتظار دمام آن را در خود و دیگران تقویت کنیم.

و بالاخره:

گرچه بانگاه و توجه به عمل خود و اطرافیان به ظهور حضرتش امید نداریم؛ اما در اوج این نومیدی، به لطف بیکران الهی امیدوار باشیم که در شدت ظلمت یأس، شهاب شب شکاف رحمت خود را بر دل‌های نومیدی، می‌تاباند.

«وَإِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ، أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ»^۳

۱. برای تعجیل فرج و ظهور [حضرت مهدی (ع)] زیاد دعا کنید؛ زیرا فرج و گشایش [کارهای] شما در آن است؛ کمال الدین / ص ۴۸۵.

۲. برای تفصیل در این امر، بنگرید به کتاب شریف مکیال المکارم نوشته مرحوم آیت‌الله سید محمد تقی اصفهانی و نیز کتاب راز نیایش منتظران که خلاصه‌ای فارسی از آن کتاب است که توسط نشر بدر چاپ شده است.

۳. هود / ۸۱: «موعده آنان صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟»

نیکو جبین

عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ مَنْقُوشٍ، قَالَ:

«دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ جَالِسٌ عَلَى دُكَّانٍ فِي الدَّارِ وَ عَنْ يَمِينِهِ بَيْتٌ عَلَيْهِ سِتْرٌ مُسَبَّلٌ. فَقُلْتُ لَهُ: يَا سَيِّدِي مَنْ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ فَقَالَ: ارْفَعْ السِّتْرَ. فَرَفَعْتُهُ، فَخَرَجَ إِلَيْنَا غُلَامٌ خُمَاسِيٌّ لَهُ عَشْرُ أَوْ ثَمَانٌ أَوْ نَحْوَ ذَلِكَ، وَاضِحُ الْجَبِينِ أبيضُ الْوَجْهِ دُرِّيُّ الْمُقَلَّتَيْنِ شِئْنُ الْكَفَّيْنِ، مَعْطُوفُ الرُّكْبَتَيْنِ، فِي خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ وَ فِي رَأْسِهِ ذُوَابَةٌ، فَجَلَسَ عَلَيَّ فَخَذَّ أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ لِي: هَذَا صَاحِبُكُمْ. ثُمَّ وَثَبَ فَقَالَ لَهُ: يَا بَنِي ادْخُلْ إِلَى الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ. فَدَخَلَ الْبَيْتَ وَ أَنَا أَنْظَرُ إِلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ لِي: يَا يَعْقُوبُ انْظُرْ مَنْ فِي الْبَيْتِ. فَدَخَلْتُ فَمَا رَأَيْتُ أَحَدًا.»^۱

يعقوب بن منقوش گوید:

«خدمت ابو محمد [امام حسن عسکری] عَلَيْهِ السَّلَامُ رسیدم. آن حضرت بر سکویی نشسته بود که در سمت راست وی اتاقی و بر آن پرده‌ای آویخته بود. گفتم: سرورم! صاحب این امر [یعنی امام پس از شما] کیست؟ فرمود: پرده را کناری زن. پرده را کنار زدم، ناگاه پسری پنج‌ساله که هشت ساله یا ده ساله می‌نمود، به نزد ما درآمد. او کودکی

بود نیکو جبین، سپیدسینما، با چشمانی مروارید گونه،
 دستانی ستبر، و زانوانی نزدیک به هم، که برگونه راستش
 خالی بود و زلفی بلند داشت. به پیش آمد تا این که بر پای
 راست امام عسکری علیه السلام نشست. امام به من فرمود: این
 صاحب‌تان است. سپس [حضرت مهدی علیه السلام] از جا
 برخاست و امام به او فرمود: پسر! داخل شو تا زمان
 معین. او وارد اتاق شد و من مشتاقانه به او می‌نگریستم.
 سپس امام به من فرمود: ای یعقوب! بسین در اتاق
 کیست؟ وارد اتاق شدم، ولی کسی را نیافتم.»

«آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری.»

یکی از نکات بسیار ظریف و اساسی، در مباحث اعتقادی و
 درباره پیشوای الهی، این است که چنین شخصی نه تنها باید از
 هرگونه عیب و نقصی - حَسَبی و نَسَبی - مبرا بلکه باید جمیع صفات
 جمال و کمال را نیز دارا باشد.

در این روایت مشاهده می‌کنیم که وجود مقدس حضرت
 مهدی علیه السلام جمال و زیبایی خاصی است مضافاً به این که این
 زیبایی‌ها با همه کمالات الهی‌اش آمیخته شده است. اما افسوس و
 صدافسوس که از این آینه تمام‌نمای الهی، در این عصر غیبت
 محروم مانده‌ایم. امید آن که روزی خورشید مهدوی از پس پرده
 غیبت به درآید و چشمان رمدکشیده ما به دیدارش منور شود.
 بی سبب نیست که هر روز در دعای عهد می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ»^۱

۱ - مفاتیح الجنان، دعای عهد؛ «خدایا! آن چهره زیبا و دل‌آرا را به من بنمایان.»

نکته مهم‌تری که در این روایت به چشم می‌خورد این است که اگر امام عسکری علیه السلام فرزند دل‌بندشان، حجت خدا پس از خود، را به یعقوب بن منقوش معرفی می‌کنند، از این روست که - با توجه به خفقان آن دوران و محدودیت‌هایی که برای آن حضرت ایجاد شده است - شیعه پس از آن حضرت دچار حیرت و سرگردانی نشود. و این هم لطفی است که حجت خدا در حق رعیت خویش کرده است.

۳۷

تسلیم

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:
 «فِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: وَ أَوْلُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى
 بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ...^۱ وَ فِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: وَ جَعَلَهَا
 كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ^۲ وَ الْإِمَامَةَ فِي عَقِبِ الْحُسَيْنِ بْنِ
 عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا
 غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أُطُولُ مِنَ الْأُخْرَى،... وَ أَمَّا الْأُخْرَى
 فَيَطُولُ أَمْدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ
 بِهِ، فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ
 لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَا، وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ
 الْبَيْتِ.»^۳

۱. انفال، ۷۵.

۲. زخرف، ۲۸.

۳. کمال‌الدین و تمام النعمة / ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

«این آیه درباره ما نازل شده است: «... به حکم کتاب خدا خویشاوندان به یکدیگر سزاوارترند...» این آیه نیز در شأن ما فرود آمده است: «و [خداوند] آن را کلمه‌ای پاینده در نسل‌های بعد از او قرار داد.» و امامت تا روز قیامت در نسل حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام خواهد بود. همانا برای قائم ما دو غیبت خواهد بود که یکی از دیگری طولانی‌تر است... اما [غیبت] دیگر به درازا خواهد کشید، تا این که اکثر معتقدان به این امر [= امامت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه] از آن عقیده برمی‌گردند. و کسی بر آن [عقیده] پایدار نمی‌ماند، جز این که برخوردار از یقینی قوی و معرفتی صحیح بوده، و در درون خود نسبت به حکم ما سختی نیابد، و تسلیم ما اهل بیت باشد.»

زمان غیبت به دراز کشیده است. زبان‌های دراز دشمنان با پاشیدن تخم نومیدی در دل‌ها، دیدگان باطن را از نگریستن به نور امید می‌بندند و کار، دشوار می‌شود. شیطان در تلاش است تا دل‌های اهل ایمان را از نظر به آن روزنه نور باز دارد. این عوامل، سبب می‌شود که انسان‌ها از دین خدا برگردند. به راستی، امتحان غیبت، آزمونی دشوار است. در این زمان سخت است که:

«إِنَّ الْعَبْدَ يُصْبِحُ مُؤْمِنًا وَ يُمْسِي كَافِرًا.»^۱

۱. همانا بنده، صبح‌گاه با ایمان برمی‌خیزد و شبان‌گاه ایمان خود را از دست داده و کافر می‌شود؛

به یاد آوریم زمان حضرت نوح نبی الله ﷺ را که وعده الهی با او برای ساختن کشتی و نجات مؤمنان، چند بار - بنا بر حکمت و الای خدا برای امتحان خلق - به تأخیر افتاد. و در هر بار تأخیر، جمع زیادی از آنان، از دین خدا بر می گشتند؛ تا آن جا که فقط گروه اندکی از آن همه جمعیت با حضرتش باقی ماندند. این آزمون دشوار، به گونه ای دشوارتر از آن زمان، در دوران حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تکرار می شود.

در این شرایط سخت، چه باید کرد؟

باید همواره در جهت تقویت یقین، تصحیح معرفت و افزایش روحیه تسلیم در برابر اهل بیت ﷺ بکوشیم. این عوامل سعادت را از خدای تعالی مسألت کنیم و از خدای رحمان و رحیم بخواهیم تا به ما توفیق پذیرش آنها را نیز عنایت فرماید.

باید همواره از خدای قادر حکیم بخواهیم که به ما مدد رساند تا از موهبت الهی اختیار، سوء استفاده نکنیم و در برابر نعمت و الای ولایت، راه کفران را در پیش نگیریم.

وقتی به حالت عمر بن سعد ملعون می نگریم که در مقابل آن همه لطف و احسان حضرت سید الشهداء ﷺ، راه کفران نعمت برگزید و خود را به شقاوت ابدی و عذاب بی پایان رسانید، بی درنگ باید به خود آییم که دامنه اختیار انسان تا کجا گسترده می شود و چه حالاتی ممکن است در انتظار بشر باشد.

باید از این حالات، عبرت گیریم. و از ژرفای جان، دعای غریق را بخوانیم، که امام صادق صلوات الله علیه، جناب ابوبصیر را به

خواندن آن در زمان غیبت توصیه فرمود:

«یا الله یا رَحْمَنُ یا رَحِیمُ، یا مُقَلِّبَ القُلُوبِ، ثَبَّتْ قَلْبِی عَلَی دِینِکَ.»^۱

۳۸

بانگ آسمانی

قال عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام :

«... الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ، يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ يُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ، وَ هُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ، فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ، وَ وُضِعَ مِيزَانُ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا، وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ لَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ، وَ هُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ يَقُولُ: أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ، فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَ فِيهِ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ.»^۲

حضرت علی بن موسی الرضا عليه السلام فرمود:

«... چهارمین نسل از فرزندانم، زاده سرور کنیزان

۱. کمال الدین و تمام النعمة / ص ۳۵۲ و ۳۵۱.

* شعراء، ۴.

۲. کمال الدین و تمام النعمة / ص ۳۷۲.

[حضرت نرجس علیها السلام] است. خداوند به وسیله او زمین را از هر ستم و بیداد پاک و مطهر می‌سازد. او کسی است که مردم در ولادتش تردید می‌ورزند و پیش از خروج [و ظهور] غیبت می‌گزینند. پس چون به درآید، زمین به نورش روشن می‌شود. و [به دست او] ترازوی عدل در میان مردم قرار می‌گیرد؛ آن گونه که کسی به دیگری ستم روا نمی‌دارد. او همان است که زمین برایش در نور دیده می‌شود و [همچنین] سایه ندارد. و همان است که ندا کننده‌ای از آسمان بانگ می‌زند، و همه زمینیان آوایش را می‌شنوند که ایشان را به سوی حضرتش فرا می‌خوانند: هان که حجت خدا به راستی در کنار خانه خدا آشکار شد؛ از او پیروی کنید، که حق با او و در اوست؛ و آن کلام خدای عزوجل است:

اگر بخواهیم، آیتی از آسمان بر آنان فرو می‌فرستیم که گردن‌هایشان در برابر آن فرود آید.»

در بحث ولایت مخفی، بیان شد که ولادت امام عصر - هم چون ولادت حضرت موسی کلیم علیه السلام - به گونه‌ای است که خبر آن بر ستمکاران پنهان می‌ماند؛ به دلیل حکمت‌های الهی که در کار بود. پنهانی ولادت از دید ستمگران، آزمونی دشوار بود که امت بدان گرفتار آمد و به بهانه بی‌خبری خود از واقعه ولادت به انکار آن پرداختند؛ تا آن جا که حضرت موسی علیه السلام را در زمان خود شناختند. در سوره قصص می‌خوانیم که تنها گروهی معدود از

مردم مصر، حضرت موسی را می شناختند و به او توجه داشتند.^۱
به جز این گروه معدود، بقیه مردم یا حضرت موسی را شناختند
و یا منکر ولادت او بودند.

در مورد حضرت ولی عصر ارواحنا فدا، کار به آن جا می کشد
که مردم در ولادت حضرتش به تردید می افتند و در انکار ولادتش
تا این حد پیش می روند که به فرموده امام صادق سلام الله علیه:
«يُقَسِّمُ مِيرَاثَهُ وَ هُوَ حَيٌّ»^۲

اما با این همه، خورشید، نور خود را بر نابینایان هم می تاباند. گر
چه چون بوی گل از دیده‌ها پنهان است؛^۳ اما عطر او، جان‌های
مشتاق را می نوازد. مدعیان، اگر امروز به انکار نشینند، فردا که
صدای حضرتش را از کنار بیت‌الله الحرام و ندای منادی را به
دعوت آن امام همام بشنوند، چه توانند کرد؟
«أَيُّنَ مَعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مَذِلُّ الْأَعْدَاءِ؟»^۴

۳۹

گوارایتان باد

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ:
«أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا

۱. قصص / ۱۵

۲. کمال الدین و تمام النعمة / ۳۱۷: «ارث او - در حالی که زنده است - تقسیم می گردد.»

۳. با استفاده از شعر سید علی موسوی گرمارودی:

باز ای، ای چو بوی گل از دیده‌ها پنهان کز رنج انتظار تو پشت فلک خمید

۴. بحار الانوار ج ۱۰۲ / ص ۱۰۶: «کجاست عزت دار دوستان و خوارکننده دشمنان؟»

بِهِ؟» فَقُلْتُ: بَلَى. فَقَالَ: «شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَالإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَالْوِلَايَةَ لَنَا، وَالْبِرَايَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا، يَعْنِي أَيْمَةَ خَاصَّةً وَالتَّسْلِيمَ لَهُمْ، وَالْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ، وَالطَّمَأْنِينَةَ وَالْإِنْتِظَارَ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ. ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَخَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَهُوَ مُنْتَظِرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ، فَجِدُّوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيَّتُهَا الْعِضَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.»^۱

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که روزی فرمود: «آیا شما را آگاه نسازم به کاری که خدای صاحب عزت و جلال هیچ عملی را بدون آن نمی‌پذیرد؟ گفتیم: آری. فرمود: شهادت به این که خدایی جز خدای یگانه نیست و این که محمد صلی الله علیه و آله بنده و پیامبر اوست، و اقرار به اوامر الهی و [پذیرش] ولایت ما و بیزاری و برائت از دشمنان ما و امامان و سکون و آرامش و انتظار قائم [عجل الله فرجه]. سپس فرمود: ما را دولتی است که خدا هرگاه خواهد آن را فرارساند. دیگر بار فرمود: هرکس شادمان شود که از یاران قائم [عجل الله فرجه] باشد، باید انتظار برد و پرهیزکارانه و بر مبنای اخلاق نیکو عمل کند و در عین حال، منتظر باشد. پس اگر او بمیرد و قائم [عجل الله

فرجه] پس از او قیام نماید، او از پاداش، همانند کسی
بهره‌مند می‌شود که حضرت را درک کرده باشد. پس
بکوشید و انتظار برید، گوارا باد بر شما، ای گروه رحمت
شده الهی.»

امام صادق علیه السلام، در این کلام محکم الهی، معیارهای اصلی را که
خداوند عزوجل برای قبول اعمال قرار داده، چنین بیان می‌کند:

- ۱- شهادت به توحید خالق متعال.
- ۲- شهادت به نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله.
- ۳- اقرار به حقانیت او امر الهی.
- ۴- ولایت ائمه اهل بیت علیهم السلام.
- ۵- برائت از دشمنان خاندان نور علیهم السلام.
- ۶- تسلیم در برابر امامان معصوم علیهم السلام.
- ۷- ورع (اجتناب از ورود در شبهات).
- ۸- کوشش در راه عمل به دین خدا.
- ۹- آرامش و وقار (اجتناب از اعمال شتابزده و حساب نشده).
- ۱۰- انتظار حضرت مهدی صلوات الله علیه.

پس از این ده فرمان نورانی - که سرلوحه نامه عمل فرد مؤمن
است - امام صادق صلوات الله علیه بر انتظار همراه با ورع و اخلاق
شایسته تأکید دارند و به صراحت می‌فرمایند:

هر کس خشنود شود به این که از یاران قائم علیه السلام باشد، باید که
انتظار کشد، و باید به ورع و محاسن اخلاق، عمل کند.

هر کس این گونه باشد، حتی اگر پیش از ظهور حضرت مهدی
ارواحنا فداه بمیرد، اجری دارد؛ مانند اجر آنها که به خدمت

حضرتش رسیده‌اند.

چرا چنین نباشد؟ در حالی که فردی ده ویژگی یاد شده را واجد باشد و آنها را در گذر زمان و در خلال امتحانات دشوار، از دست ندهد، و در عین حال، نه تنها از محرمات که از شبهات نیز دوری گزیند و انتظار را با محاسن اخلاق در آمیزد، چنین کسانی در زمان غیبت و وظیفه الهی خود را به انجام رسانیده‌اند؛ به همان سان که در ظهور، به انجام وظیفه الهی خود می‌اندیشند. ملاک اصلی برای اینان دیدن امام علیه السلام، یا آشنایی و عدم آشنایی حضرتش نیست؛ تنها به ادای تکلیف‌هایی می‌اندیشند که در هر موقعیت زمانی و مکانی بر عهده دارند. همچنین مرگ و زندگی هر انسان از سویی، و زمان ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه از سوی دیگر، به اذن و مشیت خدای متعال وابسته است. تکلیف انسان تا زمانی است که در قید حیات باشد.

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا.»^۱

مهم این است که در همان محدوده عمر، به عبادت‌های ویژه همان دوره که انسان بدان مأمور است، عمل کند. هر کس در زمان غیبت توفیق انجام وظیفه یافت، مانند کسی است که در زمان ظهور به این توفیق دست یافته است.

از خدای تعالی این توفیق را - چه در زمان غیبت و چه ظهور - مسألت می‌کنیم و از پیشگاه حضرت باری عز و جل می‌خواهیم که توفیق درک زمان ظهور را - با معرفت و ایمان صحیح - به ما عنایت فرماید.

۱. طلاق / ۷: «خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده، تکلیف نمی‌کند.»



توفیق

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ... إِنَّهُ سَمِيَّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ كُنِيئُهُ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جُورًا وَ ظُلْمًا، يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ مَثَلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ الْخَضِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ مَثَلُهُ مَثَلُ ذِي الْقَرْنَيْنِ. وَ اللَّهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنْ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.»^۱

احمد بن اسحاق اشعری گوید: ابو محمد امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

«... او [فرزندم مهدی] همانام و هم‌کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است که زمین را از عدل و داد آکنده می‌سازد، همان‌گونه که از ستم و بیداد پر شده باشد. ای احمد بن اسحاق! او به مانند ذوالقرنین است. به خدا سوگند، به قطع و یقین، او غیبتی خواهد داشت که هیچ کس [در آن دوران] از هلاکت [و گمراهی] نجات نمی‌یابد، مگر کسی که خدای عزوجل وی را بر اعتقاد به امامتش استوار گردانیده و او را به دعای بر تعجیل در فرج آن حضرت توفیق داده باشد.»

در نکات بیان شده قبلی پیرامون دشواری آزمون‌های الهی در

زمان غیبت، مطالبی بیان شد.

اینک از دیدگاهی دیگر به این مهم می پردازیم:

امام حسن عسکری علیه السلام در این حدیث شریف، در زمان غیبت، دو عامل را به عنوان عوامل نجات دهنده انسان از هلاکت بیان می فرماید:

۱ - خدای عزوجل، انسان را بر عقیده به امامت حضرت مهدی ارواحنا فداء ثابت قدم بدارد.

۲ - خدای متعال انسان را بر دعا برای تعجیل فرج حضرتش توفیق عنایت فرماید.

قبلاً به این نکته نیز اشاره شد که هر جا سخن از توفیق الهی می رود، به معنای نفی اختیار انسان نیست؛ بلکه انسان در پذیرش یا عدم پذیرش توفیق الهی اختیار دارد؛ چنان که عنایت حضرت سید الشهداء صلوات الله علیه در کربلا، هم به جناب حرّ بن یزید ریاحی شد و هم به عمر بن سعد لعنة الله علیه، اما حرّ این توفیق را پذیرفت و به سعادت توبه رسید، و عمر سعد نپذیرفت و شقاوت را برگزید. در این مورد نیز پس از توفیق خدای متعال، اختیار انسان در کار می آید که آیا به این امور الهی عمل کند یا نه؟ در هر حال، باب عمل در همین جا باز و زمان تلاش انسان آغاز می شود.

در زمینه دعا برای ظهور، اهل تحقیق را به کتاب نفیس «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم» ارجاع می دهیم که مرحوم آیت الله سید محمد تقی اصفهانی (متوفی ۱۳۴۸ هجری قمری) آن را به امر حضرت بقیه الله ارواحنا فداء تألیف کرده و در ضمن هشت بخش جوانب مختلف دعا برای تعجیل فرج حضرتش را بیان داشته

است.

آن بزرگوار، بخش پنجم کتاب خود را به بیان نتایج دعا برای فرج اختصاص داده و در ضمن آن، ۹۰ فایده برای این دعا بر شمرده است که هر کدام از این فواید را با استناد به آیات قرآن و احادیث خاندان عصمت علیهم السلام به خوبی روشن کرده است. این کتاب را با نقل برخی از این نود عنوان زینت می‌بخشیم:

- ۱- زیاد شدن نعمت الهی بر انسان
- ۲- احیای امر امامان علیهم السلام
- ۳- رنجش و وحشت شیطان
- ۴- نجات از فتنه‌های آخر الزمان
- ۵- رستگار شدن به شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۶- دفع بلا و وسعت روزی
- ۷- دستیابی به توفیق برادری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۸- وفا به پیمان الهی
- ۹- تعاون در امور نیک و تقوا
- ۱۰- هدایت به نور قرآن مجید
- ۱۱- امنیت از عقوبت‌های آخرتی
- ۱۲- محبوبیت نزد خداوند متعال و رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۱۳- آمرزش گناهان
- ۱۴- دستیابی به ثواب یاری مظلوم
- ۱۵- شرکت در خون‌خواهی امام حسین علیه السلام
- ۱۶- اجر خیر خواهی مؤمن
- ۱۷- استغفار فرشتگان برای او

۱۸ - یافتن مونس مهربان در عالم برزخ و قیامت

۱۹ - مشمول دعای حضرت سجاد رضی الله عنه بودن

۲۰ - تعظیم شعائر الهی

۲۱ - در امان بودن از بدی حساب در روز قیامت

۲۲ - دست یابی به شفاعت حضرت زهرا سلام الله علیها

این عناوین، قضاة‌ای از دریای فضائل و فوائد بی‌کران دعا برای تعجیل ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه است. خوانندگان گرامی را به ژرف‌نگری در این کتاب نفیس فرامی‌خوانیم و یاد آور می‌شویم که این علم گرامی، عملی خالصانه و مداوم و در خور خود می‌خواهد، و می‌دانیم که هر کس به علم خود عمل نکند، آن علم، سبب وزر و وبال صاحب علم می‌شود.

از خداوند متعال، توفیق این علم و عمل و خلوص را مسألت می‌کنیم و امیدواریم که خداوند عزوجل، ظهور آن حضرت رضی الله عنه را نزدیک فرماید، و به برکت این دعای شریف، تمام گرفتاری‌های امت اسلام را بر طرف کند؛ آمین یا رب العالمین.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱- الأُمالی

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق) (متوفی ۳۸۱ ق)، قم: انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش. - عربی. - حروفی. - وزیری. - ۵۴۴ ص.

۲- الايضاح

فضل بن شاذان نیشابوری (متوفی ۲۶۰ ق) / تحقیق: سید جلال الدین حسینی ارموی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش. - عربی. - حروفی. - وزیری. - ۱۰۴ + ۶۲۳ ص.

۳- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام

محمدباقر بن محمدتقی مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ ق)، تهران: دارالکتب الاسلامیة (آخوندی)، ۱۴۰۲ ق. - عربی. - حروفی. - وزیری. - ۱۱۰ ج. (جلدهای ۵۶ - ۵۴ فهارس).

۴- دلائل الامامة

ابو جعفر بن جریر بن رستم طبری صغیر (قرن پنجم) / قم: دارالذخائر للمطبوعات، عربی. - حروفی. - وزیری.

۵- الغيبة

محمد بن ابراهیم نعمانی (قرن ۴) / تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق،

[بی تا] - عربی. - حروفی. - وزیری. - ۳۲۵ ص.

۶- الغیبة

ابی جعفر محمد بن الحسن طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق)، قم: مکتبه بصیرتی، چاپ دوم، ۴۰۸ ق. - عربی. - حروفی. - وزیری. - ۳۰۸ ص.

۷- کمال الدین و تمام النعمة

ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق) (متوفی ۳۸۱ ق) / تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. - عربی. - حروفی. - وزیری. - ۳۷ + ۶۸۱ ص.

۸- الکافی

ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی (متوفی ۳۲۹ ق) / تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ق. - عربی. - حروفی. - ۸ ج.

۹- کشف الحق (اربعین خاتون آبادی)

آقا میر محمد صادق خاتون آبادی (۱۲۰۷ - ۱۲۷۲ ق) / تصحیح و تعلیق: داود میرصابری، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۶۱ ش. - عربی. - حروفی. - وزیری. - ۲۳۹ ص.

۱۰- المحاسن

ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد برقی کوفی (متوفی ۲۸۰ ق) / تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق. - عربی. - حروفی. - وزیری. - ۲ ج.

کتاب‌های نشر ریحان

مجموعه «راز و نیاز» برگزیده‌ای از دعاها و زیارت‌هایی است که به صورت گروهی نیز خوانده می‌شود. این مجموعه با مقدمه‌ای تحقیقی برای هر یک از دعاها و زیارت‌ها، همراه با ترجمه‌ای جدید و روان و علامت‌گذاری مناسب برای راحتی در خواندن و با قطع و اندازه مناسب جهت سهولت برای حمل و نقل چاپ شده است. دعاها و زیارت‌های این مجموعه عبارت‌اند از:

● حدیث کساء

● دعای ندبه

● دعای کمیل

● دعای توسل

● دعای جوشن کبیر

● زیارت آل یس

● زیارت عاشورا

